



N-ro

50

(Dua Serio)

IRANA
ESPERANTISTO

IREA
Irana Esperanto-Asocio

سپرنديشان
پايم

Kultura sezon-revuo en Esperanto, la persa, la araba kaj la kurda

N-ro: 50, Dua Serio, Somero 2024

فصلنامه ی فرهنگی چندزبانه اسپرانتو، فارسی، کردی و عربی

شماره ۵۰، دوره دوم، تابستان ۱۴۰۳



ESPERANTO





Pajam-e Sabzandiŝan
(Mesaĝo de Verd-ideanoj)
ISSN 1728-6174

IRANA ESPERANTISTO
Kultura kaj sendependa sezon-revuo internacia
Dua serio, N-ro 50, Somero 2024

Bonvenas eseoj, artikoloj, raportoj kaj kontribuajoj kondiĉe ke ili ne estu publikigitaj antaŭe. Bonvenas kultur-temaj kontribuajoj ĉu en Esperanto ĉu en la persa, la kurda, aŭ la araba.

Ĉia presa aŭ elektronika citado aŭ eldonado de materialoj de IRANA ESPERANTISTO, ĉu originale ĉu tradukite en aliajn lingvojn, estas permesata. Bonvole menciu pri la fonto kaj la originala lingvo (t.e. Esperanto aŭ la persa) kaj se eble, informu nin pri eldonaĵo en kiu aperis io de aŭ pri IRANA ESPERANTISTO aŭ/kaj sendu ciferecan kopion al ni: info@espero.ir.

به نام خداوند جان و خرد



فصلنامه‌ی پژوهشی - فرهنگی چندزبانه‌ی اسپرانتو، فارسی، کردی و عربی

دوره دوم، شماره پنجاهم، تابستان ۱۴۰۳
شماره استاندارد بین‌المللی (ISSN):
۱۷۲۸-۶۱۷۴

تاریخ انتشار نخستین شماره: پاییز ۱۳۸۱

نقل مطالب مجله با ذکر منبع و مآخذ جایز است و از استفاده کنندگان درخواست می‌شود یک نسخه الکترونیکی یا تصویر از نشریه‌ای را که در آن مطلبی به نقل از این مجله درج شده است به نشانی اینترنتی مجله ارسال کنند.

مسئولیت مطالب مندرج در این مجله برعهده‌ی نویسندگان آن می‌باشد.

گرافیک و حروفچینی: سبزاندیشان

نشانی‌ها:

پایگاه اینترنتی: www.espero.ir
پست الکترونیک: info@espero.ir

Plejofte uzataj mallongigoj

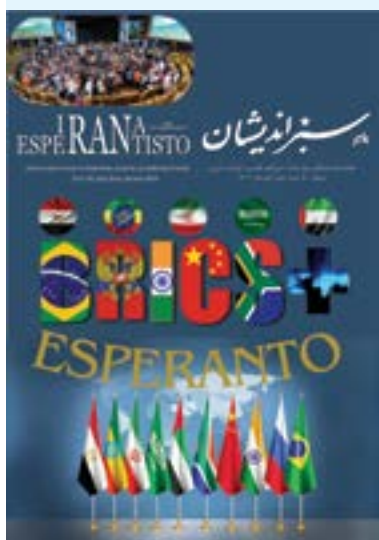
AOK: Azia Oceania Kongreso
ILEK: Irana Literatura Esperanto Konkurso
IrEA: Irana Esperanto-Asocio
IrEJO: Irana Esperantista Junulara Organizo
IrEK: Irana Esperanto-Kongreso
IrLEI: Irana Ligo de Esperantistaj Instruistoj
KAOEM: Komisiono pri Azia-Oceania Esperanto Movado
UEA: Universala Esperanto Asocio
UK: Universala Kongreso
UN: Unuiĝintaj Nacioj

Kontribuantoj:

Ivan Kossey * Shler Karimi * Nasrin Tangdel * Keyhan Sayadpour * Hamzeh Shafiee * Ahmad Reza Mamduhi * Renato Corsetti * Vladimir Minin

Reviziantoj:

Mohammad Javad Bayat * Nayyere Ebrahimpour * Simin Emrani * Shler Karimi * Ahmadreza Mamduhi * Ali Moradi * Keyhan Sayadpour * Hamzeh Shafiee * Nazi Solat



Kovrila Paĝo:

La 11-a Irana Esperanto-Kongreso

Lasta Paĝo:

Afiŝo pri Esperanto-tago

طرح روی جلد:

یازدهمین همایش اسپرانتوی ایران

طرح پشت جلد:

پوستر روز اسپرانتو



En ĉi tiu numero:

در این شماره:

- 4 Antaŭ ĉio..
- 5 Novaĵoj
- 6 Rezolucio de la 109-a UK
- 7 Rezultoj de INK-3
- 8 Esperanto, BRICS, Medio
- 9 Ĉef-temo: Esperanto kaj BRICS
- 24 Deangligo same efika kiel dedolarigo
Renato Corsetti
- 26 15 trajtoj de la postiginta...
Tradukis: Hamzeh Shafiee
- 28 Eo, la komuna lingvo de BRICS
Hamzeh Shafiee
- 33 El la taglibro de esperantisto
Keyhan Sayadpour
- 34 Fiŝ-kaptisto
Tradukis: Nasrin Tangdel
- 35 Eo en la "Muzeo de Estonto"
- 36 Paĝoj en la Kurda Lingvo
Shler Karimi
- 38 Paĝoj en la Araba Lingvo
D-ro Keyhan Sayadpour
- 40 Afişo de la Monda Tago de Paco



- 4 قبل از هر چیز ...
- 5 اخبار
- 6 قطعنامه کنگره جهانی اسپرانتو
- 7 نتایج مسابقات داستان کوتاه بین فرهنگی
- 8 اسپرانتو، بریکس، رسانه
- 9 موضوع اصلی: اسپرانتو و بریکس
- 25 انگلیسی‌زدایی به اندازه دلارزدایی موثر است
رناتو کورستی - ترجمه: احمدرضا ممدوحی
- 26 پانزده ویژگی نظام بین الملل پساگذار
ترجمه: حمزه شفیعی
- 30 اسپرانتو، زبان مشترک بریکس
حمزه شفیعی
- 33 از دفترچه خاطرات یک اسپرانتودان
کیهان صیادپور
- 34 ماهی گیر
ترجمه: نسرین تنگدل
- 35 اسپرانتو در «موزه آینده» دبی
- 36 صفحات کردی
شالر کریمی
- 38 صفحات عربی
کیهان صیادپور
- 40 پوستر ویژه روز جهانی صلح

Antaŭ ĉio...

Ni sincere dankas kaj aprezas ĉiujn, kiuj dum pli ol jardeko helpis, ke ĉi tiu revuo nun atingis sian kvindekan numeron. Dum ĉi tiu periodo, preskaŭ 2000 paĝoj estis produktitaj en la formo de revuo, kiu estis senpage disponebla al ĉiuj kaj formis riĉan referencon. Ni esperas, ke ĉi tiu afero daŭros kun pli da forto.

Kiel promesite en la antaŭa numero, la ĉefa temo de ĉi tiu numero estas la propono uzi Esperanton en internaciaj komunikadoj de la BRICS-komunumo. Feliĉe, la reflektado de ĉi tiu temo en sociaj retoj estis tre bona, kaj ni ricevis multajn kaj diversajn materialojn pri ĉi tiu temo, kio devigis nin pliiĝi la paĝojn de la revuo por inkluzivi pli da materialoj en ĉi tiu numero. Tamen, ni ne neglektis la kutimajn materialojn de ĉiu numero.

De paĝo 8 ĝis 32, do pli ol duono de la paĝoj de la revuo, estas materialoj, kiuj iel rilatas al la ĉefa temo de ĉi tiu numero, nome BRICS. Ni petas ĉiujn legantojn de la revuo atente legi ĉi tiun sektion kaj laŭeble klopodi disvastigi ĝian enhavon, por ke ĉi tiuj materialoj eble reflektiĝu ĉe la respondeculoj kaj partoprenantoj de BRICS-agadoj kaj ni vidu pozitivajn rezultojn. Ni nur pardonpetas ke la plejmulto de tiu ĉi parto de la revuo estas en la persa lingvo, ĉar ĝi ĉefe celas enlandan publikon.

Por la venonta numero de la revuo, ni planas prilabori, kiel la ĉefan temon, la sepdekan datrevenon de la unua rezolucio de Unesko subtenanta Esperanton. Do ni petas ĉiujn sendi siajn materialojn kaj opiniojn por aperi en la venonta numero de la revuo.

Ĝis la sekva numero,

Respekte, Hamzeh Shafiee

قبل از هر چیز...

باید از همه کسانی که در طول بیش از یک دهه گذشته دست یاری دادند تا اکنون این مجله به پنجاهمین شماره خود برسد صمیمانه تشکر و قدردانی کنیم. در طول این مدت قریب به ۲۰۰۰ صفحه در قالب مجله تولید شده است که به رایگان در دسترس همگان بوده و مرجعی غنی را تشکیل داده است. امید که این امر با قدرت تداوم یابد همانطور که در شماره قبل وعده داده شد، موضوع اصلی این شماره به پیشنهاد بکارگیری اسپرانتو در ارتباطات بین‌المللی جامعه کشورهای بریکس اختصاص یافته است. خوشبختانه انعکاس این موضوع در سطح شبکه‌های اجتماعی بسیار خوب بود و مطالب زیاد و متنوعی در این رابطه دریافت شد که باعث شد به ناچار صفحات مجله را افزایش دهیم تا بخش بیشتری از مطالب را در این شماره درج کنیم. هرچند که از مطالب معمول هر شماره هم غافل نشدیم از صفحه ۸ تا ۳۲ یعنی بیش از نیمی از صفحات مجله، مطالبی است که به نحوی به موضوع اصلی این شماره یعنی بریکس مربوط است. از همه خوانندگان نشریه درخواست می‌شود که این بخش را با دقت بیشتری مطالعه نموده و تا حد امکان در نشر محتوای آن تلاش نمایند تا شاید این مطالب در سطح مسئولان و دست‌اندرکاران فعالیت‌های بریکس انعکاس یافته و نتایج مثبتی را شاهد باشیم.

برای شماره آینده مجله، در نظر است که هفتادمین سالگرد صدور نخستین قطعنامه یونسکو در حمایت از اسپرانتو به عنوان موضوع اصلی مطرح شود. بنابراین در همینجا از همگی درخواست می‌شود مطالب و نظرات خود را برای درج در شماره آتی برای مجله ارسال نمایند. تا شماره بعد، بدرود

ارادتمند، حمزه شفیعی

تبعیض زبانی و اسپرانتو

آیا می‌دانید «تبعیض زبانی» چیست؟

تبعیض زبانی، زمانی اتفاق می‌افتد که قوی‌ترین، ثروتمندترین و تحصیلکرده‌ترین افراد، به زبان خود با بقیه صحبت می‌کنند و دیگران مجبور هستند که آن‌ها را بفهمند، و اگر بتوانند، پاسخ آن‌ها را هم بدهند. این امر، یک نوع نژادپرستی زبانی است. این اتفاق اغلب در سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌های تجاری و به طور کلی در اکثر سطوح جوامع ما، به‌وفور رخ می‌دهد.

مردم کشورهای قدرتمند، اجازه‌ی حرف‌زدن به دیگران نمی‌دهند و فقط ارزش‌ها و ایده‌های خود را به ایشان منتقل می‌سازند. آیا شما از این وضعیت راضی هستید؟ زبان اسپرانتو، یک راه‌حل ایده‌آل است! اسپرانتو زبانی بی‌طرف است، که یادگیری آن آسان است، و متعلق به همه‌ی انسان‌ها است و صدایی برابر به همه‌ی مردم جهان می‌بخشد.

همین امروز شروع به یادگیری اسپرانتو کنید و به جامعه‌ی جهانی آن بپیوندید! اسپرانتو را یاد بگیرید و از آن استفاده کنید تا با تبعیض زبانی به مخالفت برخیزید، و در ارتباطات جهانی، به‌طور عادلانه، شرکت کنید.

چند خبر کوتاه

- * صد و نهمین کنگره جهانی اسپرانتو با حضور ۸۵۴ نفر از ۶۵ کشور جهان در آروشا، تانزانیا برگزار شد. کنگره بعدی اسپرانتو سال آینده در برنو در جمهوری چک برگزار خواهد شد.
- * پنجاه و هفتمین کنگره «اتحادیه جهانی آموزگاران اسپرانتودان» در شهر ماسیو در برزیل برگزار شد. در این کنگره که به صورت هیبرید (حضور و مجازی) برگزار شد مهندس احمدرضا ممدوحی مجدداً برای یک دوره دیگر به عنوان ریاست این اتحادیه انتخاب شد.
- * بلومبرگ گزارش داد که ترکیه برای پیوستن به بریکس درخواست داده است. کشور آذربایجان نیز رسماً تقاضای عضویت در بریکس را نموده است.
- * پنجمین همایش مجازی اسپرانتو (VK) از هشتم تا یازدهم آذرماه سال جاری برگزار خواهد شد.
- * هشتادمین کنگره جهانی جوانان اسپرانتودان در لیتوانی برگزار شد. کنگره بعدی سازمان جهانی جوانان اسپرانتودان که هشتاد و یکمین کنگره خواهد بود در اندونزی برگزار خواهد شد.
- * کنفرانس جهانی «کاربرد اسپرانتو در علم و تکنولوژی» از هفتم تا دهم نوامبر سال جاری در اسلوواکی برگزار خواهد شد. موضوع این کنفرانس حول محور «اسپرانتو و زبان‌آموزی در عصر هوش مصنوعی و واقعیت مجازی» می‌باشد.
- * جدیدترین شماره نشریه پیام یونسکو به زبان اسپرانتو (Kuriero) با موضوع «سازندگی برای آینده» منتشر شد. این نشریه به رایگان از سایت یونسکو قابل دریافت است.
- * جزئیات پنجمین دوره مسابقات ادبی داستان کوتاه بین‌فرهنگی (INK) اعلام شد. اطلاعات کامل این مسابقه و شرایط شرکت در آن را می‌توانید از آدرس (<https://bobelarto.ink/fa/konkurso>) مشاهده نمایید.
- * «یازدهمین کنگره آسیا-اقیانوسیه اسپرانتو» همراه با یکصد و دوازدهمین کنگره اسپرانتوی ژاپن در اوکایاما در سپتامبر ۲۰۲۵ برگزار خواهد شد.
- * موزه بین‌المللی اسپرانتو در دانشگاه زائوژوانگ چین دهمین سال تاسیس خود را با حضور چهارصد مهمان جشن گرفت. در این موزه هم اکنون ۵ اسپرانتودان مشغول به کار هستند. این موزه بیش از ده هزار آیتیم مرتبط با اسپرانتو را در معرض دید عموم قرار داده است.

Alvoko por la 12-a Irana E-Kongreso

La Dekdua Irana Esperanto-Kongreso (IrEK-12) okazos hibride (ĉeeste kaj virtuale) en la venonta majo. Ni invitas ĉiujn interesatojn kaj fakulojn partopreni en ĉi tiu grava evento kaj helpi en la dezajno de la emblemo, programado, prelegoj, elektado de la loko kaj aliaj necesaj aferoj.

Ni invitas ĉiujn interesatojn sendi siajn proponojn kaj opiniojn ĝis la fino de marto 2025 al la sekva retpoŝta adreso:

Retpoŝto: info@espero.ir

Dankon pro via kunlaboro

Organiza Komitato de IrEK-12



فراخوان دوازدهمین همایش اسپرانتوی ایران

دوازدهمین همایش اسپرانتوی ایران در اردیبهشت سال آینده به صورت دوگانه/هیبرید (حضور و مجازی) برگزار خواهد شد. از علاقه‌مندان دعوت می‌شود تا در این رویداد مهم شرکت نموده و در طراحی لوگو، تعیین برنامه‌ها، سخنرانی‌ها، تعیین مکان برگزاری و سایر موارد مورد نیاز کمک کنند.

از تمامی علاقه‌مندان دعوت می‌شود تا پیشنهادات و نظرات خود را تا پایان اسفند ماه سال جاری به آدرس ایمیل زیر ارسال نمایند:

ایمیل: info@espero.ir

با تشکر از همکاری شما

کمیته برگزاری کنگره اسپرانتوی ایران

قطعه‌نامه یکصد و نهمین همایش جهانی اسپرانتو، آروشا، تانزانیا



محیط زیست محافظت کنند، زیرا محیط زیست سالم پیش نیاز دستیابی به هدف ساختن دنیایی بهتر است. آنها از همه مردم زمین می‌خواهند که استفاده از وسایل حمل‌ونقلی که انرژی کمتری در طول سفرها مصرف می‌کنند، ترجیحاً از منابع پایدار مانند خورشید یا باد، را در نظر بگیرند و برای جبران انتشار گازهای گلخانه‌ای - در حالی که هنوز امکان اجتناب کامل از آن وجود ندارد - با یکدیگر همکاری کنند.

اعضای این همایش جهانی با رضایت اظهار می‌کنند که زبان سواحیلی به عنوان یک زبان فراملی عمل می‌کند، که ارتباط

بین ساکنان جامعه شرق آفریقا (EAC) را بدون نیاز به استفاده از زبان امپراتوری‌های استعماری سابق امکان‌پذیر می‌سازد. تمام زبان‌های آفریقایی دیگر نیز مستحق حمایت هستند و لازم است حقوق زبانی گویشوران آنها، به ویژه در آموزش ابتدایی، مطابق با توصیه‌های یونسکو به

رسمیت شناخته شود. این اساس صلح، برای جهانی بهتر است. برای درک متقابل جهانی، به یک زبان بین‌المللی بی‌طرف مشترک نیاز است که هر فرد بتواند در کنار زبان مادری خود به آن صحبت کند. شرکت‌کنندگان در این همایش با خوشحالی و افتخار اظهار می‌کنند که در این همایش نیز مشخص شد که اسپرانتو برای این منظور کاملاً مناسب است.

uea.org/gk/1180a1

در یکصد و نهمین همایش جهانی اسپرانتو، که از ۱۳ تا ۲۰ مرداد ۱۴۰۳ برای نخستین بار در قاره آفریقا، در آروشا، تانزانیا برگزار شد، ۸۵۴ نفر از ۶۵ کشور جهان شرکت کردند. موضوع اصلی این همایش "زبان، مردم و محیط زیست برای جهانی بهتر" بود که شرکت‌کنندگان در آن نه تنها درباره این موضوع بحث کردند، بلکه در عین حال الگویی را برای جهانی بهتر ارائه کردند که در آن مردم بسیاری از کشورهای مختلف می‌توانند به طور مسالمت‌آمیز با هم زندگی کنند و بدون مترجم از طریق زبان بین‌المللی اسپرانتو (که همه اعضای همایش نیز به آن صحبت می‌کردند)، ارتباط برقرار کنند.



ارتباط برقرار کنند. شرکت‌کنندگان با خوشحالی خاطرنشان کردند که اولین همایش جهانی اسپرانتو در آفریقا با موفقیت کامل همراه بود. این ثابت کرد که در آفریقا جنبش زبان بین‌المللی بی‌طرف، یعنی اسپرانتو، فعال بوده و در بسیاری از کشورهای قاره آفریقا

اسپرانتودانانی فعالیت دارند. و اینکه اسپرانتیست‌های آفریقایی کمک ارزشمندی به جهانی شدن جنبش جهانی اسپرانتو ارائه می‌دهند. با همان شادی، شرکت‌کنندگان مشاهده کردند که بسیاری از جوانان در کشورهای آفریقایی اسپرانتو را در دوره‌های آموزشی یاد می‌گیرند و در بسیاری از کشورهای آفریقایی برنامه‌ریزی شده است که دوره‌های بیشتری برگزار شود تا افراد بیشتری بتوانند از طریق اسپرانتو با جامعه جهانی ارتباط برقرار کنند.

شرکت‌کنندگان در این همایش از همه مردم می‌خواهند که از

serioze ekzamenu kaj takso ĉi tiun aferon.

یک جایزه برای نویسندگان ایرانی

یازده جایزه در سومین مسابقه داستان کوتاه بین‌فرهنگی



سومین دوره مسابقه داستان کوتاه بین‌فرهنگی توسط آکادمی ادبیات اسپرانتو (ALE) و با حمایت سازمان جهانی اسپرانتو (UEA) و با حضور ۱۱۰۰ شرکت کننده از ۴۸ کشور برگزار شد. در این دوره ۱۳۳۰ داستان کوتاه رقابتی از راه رسید. هیئت داوران در مجموع یازده جایزه را توزیع کردند: پنج جایزه در رده‌های باتجربه و پنج جایزه در دسته‌بندی مبتدی. همچنین تصمیم گرفته شد که به بهترین شرکت کننده جوان جایزه افتخاری اهدا شود.

داستان‌های کوتاه برنده و فینالیست در کتابی تحت عنوان «زندگی مخفی همسایه‌های من» که عنوان موضوع مسابقه نیز بود، گردآوری و چاپ شد. تیم برگزارکننده مسابقه آن را در طول کنگره جهانی به عنوان بخشی از مراسم اهدای جوایز و اتاق مطالعه ارائه کرد. سفارش این مجموعه داستان کوتاه از طریق سرویس کتاب UEA و انتشارات کاوا پچ امکان‌پذیر است.

هیئت داوران متشکل از شش عضو برجسته جنبش اسپرانتو بود: هیدی هوس، احمد ممدوحی، پابلو موجایوو، کارینا اولیویرا، جیمز آر. پیتون و آنا استریگانووا

برندگان سومین دوره به شرح زیر است:

گروه حرفه‌ای

- وینچنزا جوبیلی از ایتالیا با داستان «همسایه»
- سالواتوره آماتو از بریتانیا با داستان «طعم آزادی»
- خورخه رافائل نوگراس از پورتوریکو با داستان «... و پنجره‌ها، چشم‌ها»
- اکاترینا ایرتگووا از روسیه با داستان «گل رز عصبی»
- داویده باکیلهگا از ایتالیا با داستان «مستاجر طبقه بالا»

گروه آماتور / مبتدی

- لیلا محمدعلیزاده نیکو از ایران با داستان «احیا»
- گلیا آلكسیوا از اوکراین با داستان «ماسه طلایی»
- آناستازیا واشنکو از اوکراین با داستان «دنبال رد خرده‌ها»
- الیزابتا کاماراتا از ایتالیا با داستان «دلک»
- اوگنی میرموویچ از روسیه با داستان «کرم قلب»

لوح تقدیر (بهترین نویسنده جوان) نیز به جرارد فوندویلا کارراس از اسپانیا با داستان «شب اکتشافات»

انجمن اسپرانتو ایران همراه با انجمن جهانی اسپرانتو به همه برندگان به خاطر آثارشان و به آکادمی ادبی اسپرانتو برای سازماندهی این مسابقه تبریک گفته و از نویسندگان دعوت می‌کند در پنجمین دوره این مسابقه شرکت کنند. تمام جزئیات را می‌توانید در <https://bobelarto.ink/konkurso> پیدا کنید

منبع خبر: بیانیه مطبوعاتی شماره ۱۱۷۶ سازمان جهانی اسپرانتو

uea.org/gk/1176a1

اسپرانتو، بریکس، رسانه

با پیشنهاد مطرح شده در شبکه‌های اجتماعی توسط اسپرانتودانان برای استفاده از اسپرانتو در ارتباطات بین کشورهای عضو بریکس و در پی اعلام تخصیص موضوع اصلی این شماره از مجله به این پیشنهاد، مقالات و اظهارنظرهای متعددی دریافت شد که بخشی از آن را در این شماره از مجله ملاحظه می‌کنید. لازم به ذکر است که حجم بالای مطالب دریافتی موجب شد که هشت صفحه به تعداد صفحات این شماره بیافزاییم تا بتوانیم پوشش مناسبی از مطالب را داشته باشیم.

اما در عین حال در مدتی کوتاه موضوع اسپرانتو در بریکس انعکاس خوبی در شبکه‌های اجتماعی و اینترنت داشت که از جمله آنها ایجاد وبسایت اختصاصی، تشکیل گروه‌ها و کانال‌های متعدد در پیام‌رسان‌های پرطرفدار بویژه تلگرام و نیز ایجاد گروه‌های ایمیلی برای این موضوع بود. در زیر راه‌های ارتباطی و آدرس‌های مربوط به این رسانه‌ها را برای علاقه‌مندان گردآوری کرده‌ایم:

* * وبسایت ویژه‌ای برای پوشش ایده کاربرد اسپرانتو در حوزه ارتباطات بین کشورهای بریکس افتتاح شد. این وبسایت در حال حاضر به ده زبان (اسپرانتو، پرتغالی، روسی، چینی، زولو، عربی، هندی، فارسی، بنگالی و آمهاری) به آدرس زیر در دسترس علاقه‌مندان است.

www.brics-esperanto.org

* * گروه تلگرامی اسپرانتو بریکس (Esperanto BRICS) در اوایل تیرماه تشکیل شد. در این گروه هم‌اکنون قریب به ۷۰ نفر عضو هستند. برای پیوستن به این گروه می‌توانید از این آدرس استفاده کنید:

t.me/EsperantoBRICS

* * گروه ایمیلی «اسپرانتو در کشورهای بریکس» نیز در اوایل تیرماه تشکیل شد. آدرس این گروه که با توضیح «لیست ایمیلی برای همکاری ساکنان کشورهای عضو بریکس» تعریف شده به قرار زیر است:

Esperanto-en-briksaj-landoj@groups.io

* * در فیس‌بوک نیز صفحه فعالی برای این موضوع تشکیل شده است که هم‌اکنون ۲۵۸ نفر به آن پیوسته‌اند. این صفحه بسیار فعال بوده و مرتباً مطالبی در رابطه با اسپرانتو و بریکس در آن منتشر می‌شود.

<https://www.facebook.com/groups/esperanto.brics/>

* * یک سال قبل در جریان برگزاری دهمین کنگره اسپرانتوی ایران، یکی از سخنرانان از برزیل به ارائه مطلبی درباره «اسپرانتو، امکان زبان مشترک کشورهای عضو بریکس» پرداخت. فیلم کامل این سخنرانی را می‌توانید در یوتیوب و از آدرس زیر مشاهده کنید

<https://youtu.be/ZOdIBySyj24>



شبکه تلویزیونی بریکس به عنوان یک رسانه خبری به صورت ۲۴ ساعته به چهار زبان انگلیسی، روسی، پرتغالی و چینی در حوزه‌های تکنولوژی، اقتصاد، توریسم و ورزش فعالیت می‌کند. برنامه‌های این شبکه تلویزیونی از طریق ماهواره، وبسایت مربوطه، یوتیوب و تعدادی از پیام‌رسان‌های اجتماعی نظیر تلگرام قابل مشاهده هستند. آدرس وبسایت این تلویزیون <https://tvbrics.com> است. شاید گنجاندن اسپرانتو در لیست زبان‌های این شبکه به عنوان گام نخست برای پیشبرد اهداف زبان مشترک برای کشورهای بریکس بتواند عملی‌ترین اقدام در این راستا باشد.

Okaze de la Pintkunveno de la landoj BRICS

22-24 oktobro 2024 - Kazan, Rusia Federacio

Ivan Kossey



Alparolo al Pintkunveno de la landoj BRICS

Tre estimataj Kapoj de landoj BRICS!

Ni, reprezentantoj de mondaj organizaĵoj de espetantistoj, ŝatus atentigi vin al problemoj de justa lingva politiko en la mondo. La ekskluziva uzo de la lingvoj de iuj ŝtatoj kiel "ĝenerale agnoskita" internacia lingvo donas al tiuj ŝtatoj nepravigajn avantaĝojn kaj metas aliajn ŝtatojn en malavantaĝo. Tial ni kredas, ke en internacia komunikado necesas doni preferon al neŭtrala lingvo, kiu metas ĉiujn ŝtatojn sur egalajn kondiĉojn kaj ne ebligas trudi la valorojn de unu kulturo al aliaj ŝtatoj de la mondo. Tia lingvo estas la internacia lingvo Esperanto. Alia grava avantaĝo de Esperanto estas ĝia facileco de lernado, kiu ne estas komparebla kun aliaj lingvoj. Tio signife reduktas la koston de lingvoinstruado kaj ŝparas la laborkostojn de la loĝantaro por lingvoakirado.

Ni petas vin decidi subteni la internacian lingvon Esperanto en la edukaj sistemoj de Viaj landoj.

Biĵanĵe ĵemĵe az asperantodanan ĵehan ĵatab be seran ĵŵorĵay berĵks be manasĵt neŵst seroze seran ĵin ĵŵorĵa
 dr tarĵĵĵ 22-24 akĵber 2024 dr ŵer kazan, fdrasĵon rosĵe

seran mĵŵer ĵŵorĵay berĵks!

ma, namĵndagan sazamanĵay asperantĵoy dr ĵŵorĵay mĵŵer, mĵ ŵoĵem tĵĵe ŵma ra be mĵŵklarĵ sĵasrĵ zan eadlame dr ĵehan ĵlĵ
 ĵnĵem. asrfaĵe anĵsarĵ az zanĵay berĵĵ ĵŵorĵa be enoan "zan beĵmĵly be rsmĵrĵ ŵnaĵĵe ŵĵe" be ĵn ĵŵorĵa mzaĵay ĵĵrĵabl
 tĵĵĵĵĵ mĵ deĵd ŵ saĵr ĵŵorĵa ra dr mĵĵĵĵ mĵrĵ tĵĵĵĵ rrar mĵ deĵd. be naberĵn ma meĵĵĵm ĵe dr arĵabarĵat beĵmĵly baĵd be
 zanĵy beĵrĵf olĵoyĵ dade ŵod ĵe ĵme ĵŵorĵa ra dr ŵrĵayr rrar mĵ deĵd ŵ aĵaze nĵmĵ deĵd arĵŵĵay ĵk frĵhng ĵas be saĵr
 ĵŵorĵa tĵmĵly ŵod. ĵnĵn zanĵy zan beĵmĵly asperantĵo asr. ĵky dĵĵr az mzaĵay mĵm asperantĵo, seĵolrĵ ĵadĵĵrĵ an asr ĵe ba
 saĵr zanĵa ĵabl mĵaĵse nĵsr. ĵn amr be rĵr ĵabl tĵĵĵĵ ĵzĵne amĵrŵ ŵan ra ĵaĵŵ mĵ deĵd ŵ dr mĵarĵ saknĵn ĵn ĵŵorĵa
 bray fraĵĵrĵ zan rrfĵĵoy mĵ ĵnd.

ma az ŵma mĵ ŵoĵem ĵe - ba tĵĵe be tĵŵĵĵatĵy ĵe dr adame ŵoĵad amĵ - tĵmĵm ĵĵrĵrĵ az zan beĵmĵly asperantĵo dr sĵsĵemĵay
 amĵrŵŵy ĵŵorĵay ŵod ĵmĵrĵ ĵnĵd.

Klarigo al Alparolo al Pintkunveno de landoj BRIKS 22-24 oktobro
2024 en Kazano, Rusio

Lingvo kiel rimedo politika

Kiel kaj al kio oni klinas nin?

Pro la internacia statuso de la angla lingvo, la influo de anglalingvaj landoj sur mondaj procezoj estas multe pli granda ol ilia reala ekonomia kaj politika pezaj. Neanglalingvaj ŝtatoj estas en profunde malegalecaj kondiĉoj kun ili – tio validas por la tuta monda informa spaco, inkluzive propagando kaj agado de internaciaj organizaĵoj.

Jen la materialo el la scienca eldonaĵo de Prof. V.P. Pugachev de la Moskva Ŝtata Universitato [2]. La artikolo diras, interalie:

“Hodiaŭ estas evidente, ke la altrudo de la angla lingvo al aliaj nacioj estas unu el la plej gravaj kondiĉoj por la tutmonda informa ekspansio de Usono, la superregado de usonaj novaĵagentejoj kaj amaskomunikiloj en la tutmonda informa spaco, la tutmonda disvastiĝo de la valoroj de “amaskulturo” kaj la usona vivmaniero. La statuso de la angla kiel lingvo de monda komunikado kreas grandegan avantaĝon por Usono en disvastigi informojn, disvastigi plaĉajn valorojn kaj normojn por establi usonan mondan gvidadon kaj krei novan mondan ordon.

La altrudoo de la angla kiel la lingvo de monda komunikado kontribuas al:

- *sennaciigo de la konscio de aliaj popoloj, la formado de sento de lingva malsupereco en ili, kaj, kiel la reverso de tiu ĉi procezo, la normigo kaj idealigo de la angla lingvo kaj anglalingva kulturo. Laŭ la psikologia leĝo de asocioj tia normigo de la lingvo estas subkonscie transdonita al la landoj, ĝiaj parolantoj*
- *Usono kaj Britio;*

- *altrudi al la popoloj de la mondo de la usona-centra mondkoncepto, subpremante ilian sendependan pensadon, kiu siavice estas grava kondiĉo por la alpreno de la politiko de superregado de Usono kaj ĝiaj plej proksimaj aliancanoj en la mondo;*

- *pliigo de la kanaloj de ideologia influo, ĉefe pro la havebleco de informoj transdonitaj de la usonaj amaskomunikiloj, interretaj agentejoj ktp., la uzado de diversaj formoj de lernado de la angla en neanglalingvaj landoj, same kiel en Usono. , scienca, turisma kaj alia interetna komunikado;*

- *kreante avantaĝojn por usonanoj en diversaj formoj de internaciaj komunikadoj (ekzemple en taksoj de sciencaj artikoloj, konkursoj, ktp.), kaj ankaŭ ŝpari al civitanoj de Ameriko kaj aliaj anglalingvaj landoj grandegan tempon pasigitan por lerni fremdan lingvon.”*

Jam la 7-an de julio 1992 la International Herald Tribune skribis: “La uzo de la angla lingvo pligrandigas la politikan influon de anglalingvaj landoj multe pli ol forta ekonomio aŭ milita potenco.”

David Graddol en sia libro “English Next” priskribas la debaton en Eŭropo. Tie, en la skribaĵoj de profesoro Francois Grin el Ĝenevo, oni parolas pri la angla kiel la plej potenca propagandmaŝino iam kreita de la homaro. Ĉi tiu maŝino rakontas al homoj ĉiutage en televidaj programoj, interretaj afiŝoj kaj revuoj, pri kio ili devas pensi.

En 1997 la brita ministro de la financo Gordon Brown (poste ĉefministro) nomis la internacian statuson de la angla lingvo pli enspeziga komerco por la ekonomio ol, ekzemple, la produktado kaj eksportado de petrolo, ŝipkonstruado, aviado aŭ la manĝindustrio. Li diris ankaŭ tiam, ke se la tendenco daŭras, tiam ĝis la jaro 2000 la gepatra lingvo alportos pli da monon al Britio ol ĉiuj financaj transakcioj kune.

La saman influon havas la dolaro kiel internacia valuto. Oni detruis Libion ĉar Libio unue komencis publike dubigi la rolon de la dolaro kiel internacia valuto. Simila reago kontraŭ BRIKSo ne eblas.

Ĉu indas panikiĝi

La mondo estas tiel alkutimiĝita al la venka marŝo de la angla lingvo, ke neniu pensas pri ia alternativo al ĝi. Sed ekzistas efika kaj tute ne kosta brido por la angla lingvo – kontraŭstari la internacian lingvon Esperanto al ĝi.

Pro sia facileco, **Esperanto estas la sola lingvo, kiu kapablas konkuri kun la angla** kun registara subteno. Esperanto ne bezonas financon subtenon; nur administraj rimedoj povas multegon fari por disvastigi

Esperanton.

La plej grava afero por tio estas egaligi Esperanton en lernejoj kun aliaj fremdaj lingvoj. Por ke ĉiuj povu elekti ĝin egale al la angla, germana kaj aliaj.

Vi nature havas demandojn:

- Kiu bezonas “senutilan”, kvankam facilan, lingvon?
- Ĉu gepatroj volos elekti Esperanton por siaj infanoj?

kaj multajn similajn.

La plej ofta takso estas, ke Esperanton flue parolas de proksimume 2 milionoj da homoj. Tial vi apenaŭ renkontos homojn, kiuj parolas Esperanton surstrate eksterlande. Sed pli ol sufiĉaj ŝancoj por komuniki ekzistas en la Interreto. Estas facile trovi adresojn por korespondado pri iu ajn temo kaj en iu ajn lando. Estas multaj forumoj en Esperanto. Nur la forumo ĉe Lernu.net havas 270000 registritajn uzantojn.

Alia utilo de Esperanto: montriĝas signifa kaj neatendita propedeŭtika efiko de Esperanto. Alivorte, ĝia asimilado multe faciligas la studon de aliaj fremdaj lingvoj. Ĉar ĉirkaŭ 60% de la vortoj en Esperanto havas latinajn radikojn, iusence ĝi povas esti konsiderata la lingvo de la latinida grupo, kaj precipe ĝi faciligas la komprenon kaj asimiladon de la lingvoj de ĉi tiu grupo - hispana, itala, franca, portugala, ktp. Do Esperanto ne estas tiel senutila, kiel multaj homoj pensas.

Koncerne la popularecon de Esperanto en la lernejo, ŝajnus, ke kun la disvastigita delokiĝo de aliaj fremdaj lingvoj per la angla, Esperanto ne havas ŝancon populariĝi. Sed, unue, pro sia eksterordinara facileco, la scenaro por Esperanto povas esti alia: Esperanto povas malrapide sed certe akiri popularecon. Due, en la plimulto de landoj oni instruas en lernejojn duan fremdan lingvon, kaj Esperanton oni povus instrui kune kun la angla, kaj ne anstataŭ ĝi. En la aĝo de 10-12 jaroj, kiam ili kutime komencas lerni duan fremdan lingvon, evidentiĝas la kontingento de lernantoj, kiuj pro diversaj kialoj malbone fartas en fremda lingvo. Por ili Esperanto povas fariĝi savzono – ili ja scios almenaŭ unu fremdan lingvon.

Eĉ hodiaŭ, sen ia subteno, ekzistas ekzemploj de centoj da studentoj aŭ lernantoj, kiuj lernas Esperanton laŭvole. Estas sennombraj someraj Esperanto-kursoj por infanoj kaj plenkreskuloj. En Hungario preskaŭ 2 000 studentoj ĉiujare faras la ekzamenon pri Esperanto kiel fremdlingvo por sia supera diplomo. Ŝajne, ili malesperis fini sian fremdan lingvon, kiun ili studis en la lernejo dum 10 jaroj. Esperanto estas por ili pli facile lerni de nulo.

La kvanto da parolantoj en la mondo necesaj por la sukceso de Esperanto estas taksita ĉirkaŭ 50 milionoj. Ĉi tio estas komparebla al la loĝantaro de Italio. La itala kiel fremda lingvo estas sufiĉe populara en la mondo, pli da homoj parolas ĝin ekster Italio ol en Italio mem. Esperanto multe pli populariĝos pro sia facileco, kaj la nombro de tiuj, kiuj parolas ĝin, konstante pliiĝos.

Kiom kostas la fremdaj lingvoj?

Por la plimulto de homoj, fremda lingvo komenciĝas en la lernejo. La totala kvanto de fremdlingvaj lecionoj en la plej multaj evoluintaj (ne-anglalingvaj) landoj estas proksimume unu dekonon de ĉiuj lecionoj, aŭ proksimume unu akademia jaro entute por mezlernejo. Estas facile kalkuli tion per sumado de la instruhoroj por diversaj fakoj por la tuta lerneja periodo. De ĉi tie estas facile proksimume taksita kiom estas elspezita por fremdaj lingvoj el la eduka buĝeto. En Rusio estas ĉirkaŭ 200 miliardoj da rubloj ĉiujare, en Eŭropa Unio ĉirkaŭ 89 miliardoj da eŭroj ĉiujare. Notu – koste de impostpagantoj, kaj la leonparto iras al la angla lingvo. Samtiel la hipnotigita rano mem saltas en la buŝon de la serpento. Instrui Esperanton anstataŭ tradiciaj fremdaj lingvoj povus redukti ĉi tiujn kostojn ĝis ĉirkaŭ triono. Tio ŝajnas al vi nekredeble, sed sube vi trovos la pravigon. Sed elspezado por edukaj buĝetoj estas nur la pinto de la glacimonto. Ĉiu studento pasigas proksimume unu jaron de sia vivo lernante fremdan lingvon. Krome, gepatroj subtenas la infanon dum ĉirkaŭ unu jaro por lerni fremdan lingvon. Krome, la kostoj de ĉiuspecaj tradukoj, kursoj ktp estas tre gravaj. Kun ĉi tiuj superkostoj, oni taksas, ke EU elspezas ĉirkaŭ 350 miliardojn da eŭroj ĉiujare por fremdaj lingvoj. En la mondo tio estas ne malpli ol unu kaj duono triliono da eŭroj ĉiujare. Esperanto ebligus ŝpari kaj pli bone utiligi ĉirkaŭ du trionojn de tiu ĉi kvanto. Estas ankaŭ kurioze, ke pli ol miliardo da eŭroj jare estas elspezitaj nur por tradukoj en la Eŭropa Parlamento kaj la centraj registaraj organoj de la Eŭropa Unio.

Vi diros: ĉiuj ĉi kalkuloj rememorigas amuzan sofistikecon pri la temo “kio se ĉiuj landoj estus subite senarmiĝitaj.” Sed estas dirite supre, ke la sukceso de Esperanto postulas nur administrajn rimedojn, ne financajn aŭ aliajn rimedojn, kaj nenij interesoj (krom la loĝantoj de anglalingvaj landoj) estus tuŝitaj.

Tiuj estas la fremdlingvaj kostoj, sed ne en anglalingvaj landoj. Kio pri en la anglalingvaj? Preskaŭ ĉie

ili lernas fremdan lingvon senzorge kaj elspezas por ĝi multe malpli da mono ol aliaj landoj. Ekzemple, en Usono, la lernado de fremda lingvo en la lernejo estas deviga nur en 7 ŝtatoj el 50. En Britio, ĉirkaŭ 75% de la loĝantaro parolas nenium fremdan lingvon. Parto de la ŝparita mono por fremdaj lingvoj (tio estas dekoj, se ne centoj da miliardoj da eŭroj ĉiujare) estas elspezita por la “seninteresa kaj bonfara” promocio de la angla lingvo. Cetere, la Brita Konsilio okupas elstaran lokon en ĉi tiu agado. Ĝia buĝeto konsistas je unu triono el donacoj, unu triono el enspezoj el instruado de la angla, kaj unu triono el registara financado. La forpasinta generalmajoro Jurij Drozdov, estro de la Kontraŭleĝa Inteligenta Direktoro de la Sovetunia KGB inter 1979-1991, komentis: «*La Brita Konsilio estas rekte ligita kun la sekretaj servoj de Britio kaj Usono*». Ekzemple, en unu el la gazetaraj konferencoj parolis Drozdov: «*La gvidado de la British Council inkludas homojn kiuj estis trejnintaj en la specialservoj*». (<http://expert.ru/2008/01/17/brit/>).

Por kio oni kreas novan lingvon?

Multlingveco estas valorega trezoro de la homaro, ĝi estas kiel mirinda vario de plantoj kaj bestoj. Sed samtempe multlingveco ofte estas ĝena obstaklo al komunikado.

Pri la problemoj de lingvoj ankaŭ pripensis Ludwig Zamenhof (1859 - 1917), civitano de la Rusa Imperio. La solvo ŝajnas esti “simpla”: ni bezonas lingvon, kiun, krom la gepatra lingvo, ĉiuj konas. Kia estu tiu ĉi lingvo? Zamenhof naskiĝis kaj kreskis en Bjalistoko (nun la teritorio de Pollando) kaj, danke al plurlingva medio, en infanaĝo li majstris plurajn lingvojn – rusan, polan, germanan, jidan. Krome, li studis lingvojn en la gimnazio kaj en la medicina universitato, kaj ankaŭ memstare. Pripense komparante lingvojn, li trovis en ĉiu nenecesajn “sonorilojn kaj fajfilojn”, kiuj serioze malfaciligas lian lernadon. Post multe da pripensado Zamenhof rimarkis, ke neniu el la ekzistantaj aŭ antikvaj lingvoj taŭgas por la rolo de internacia lingvo. Lingvoj spontanee evoluis dum jarmiloj, do ĉiu estas kiel domo konstruita sen plano. Ĉiu el ili estas bela, unika, sed nenecese kompleksa. Precipe, pro evoluo, ĉiu lingvo havas multajn esceptojn.

Krome, la lingvo de iu ajn nacio aŭ ŝtato estas neakceptebla, ĉar, fariĝinte internacia, ĝi donas grandajn avantaĝojn al la reprezentantoj de tiu ĉi nacio.

Sekve de multjara laboro, L. Zamenhof kreis novan lingvon kaj en 1887 eldonis la unuan lernolibron en la rusa sub la kaŝnomo Doktoro Esperanto. Zamenhof nomis sian kreaĵon simple “Internacia Lingvo”, sed baldaŭ ĝi nomiĝis Esperanto – laŭ la pseŭdonimo de la aŭtoro. Esperanto-lernolibroj baldaŭ aperis en diversaj aliaj lingvoj.

Esperanto ne estis la unua kaj ne la lasta artefarite kreita lingvo (ili estas nomataj planlingvoj en lingvistiko). Sed ĝi multe superis aliajn planlingvojn laŭ kvanto de parolantoj kaj profundeco de ellaborado. La Esperanto-Akademio senĉese kontrolas la ordon en la lingvo. La profundeco de ellaborado signifas ankaŭ la riĉecon de la lingvo.

Kiom Esperanto estas pli facila?

La facileco kaj simpleco de Esperanto superis ĉiujn atendojn. En la lasta jarcento, grandega nombro da studoj estis faritaj, kaj ĉiuj ili konfirmis la mirindan facilecon de Esperanto. Unu el la studoj estis farita en la Universitato de la germana urbo Paderborn [1]. Franclingvaj studentoj studis la germanan, la anglan, la italan kaj Esperanton de nulo. Por atingi la saman nivelon, ili pasigis la sekvan kvanton da horoj:

Lingvo	Horoj	Rimarko
germana	2000	
Angla	1500	multaj komunaj vortoj kun la franca
Itala	1000	lingvo parenco al la franca
Esperanto	150	60% de vortoj estas prenitaj el la franca

En la intervalo 1925–1931 [3], studo estis farita en Universitato Kolumbio (Usono). La celo de la studo estis ekscii ĉu la planlingvo estas pli facile lernebla kaj kiomgrade. La studo estis komisiita de IALA (Internacia Axiliary Language Association) kaj organizita de D-ro Edward Tordike, Estro de la Psikologio-Divizio de la Instituto por Edukado en Universitato Kolumbio. Konkludoj:

- por la meza studento, skriba kaj parolata Esperanto estis pli komprenebla post 20 horoj da studado ol post 100 horoj da franca, germana aŭ hispana.
- la rezultoj de 5 horoj da studado de la germana estas preskaŭ nulo. 5 horoj da lernado de Esperanto sufiĉas por gramatika superrigardo.
- la rezultoj de 10-100 horoj da studado en Esperanto estas 5-15 fojojn pli bonaj ol en la studado de naciaj

lingvoj, depende de la malfacileco de la nacia lingvo (raporto de Eaton, p. 6-7).

Raporto: Helen S. Eaton: Language Learning Summary...

Alia eksperimento estis farita en la Budapeŝta Universitato Eötvös Lorand en 1962-1963. La celo de la eksperimento estis kompari la lernadon de Esperanto, germana, angla kaj rusa en tri klasoj de mezlernejo.

Konkludoj:

Por hungaraj infanoj, la lingva akiro-procentoj estis jenaj: rusa - 30%, germana - 40%, angla - 60%, Esperanto - 130%. Ĉi tiuj datumoj plene konfirmas la antaŭajn konkludojn de Prof. Barcsi: en la kondiĉoj de lerneja instruado, Esperanto estas la sola lingvo, kies didaktikaj celoj estas realigeblaj.

Raporto: Istvan SZERDAHELYI (docento de la universitato).

Surbaze de tiuj kaj aliaj eksperimentoj oni ĝenerale akceptas, ke en la komenca etapo, Esperanto estas lernata ĉirkaŭ dekoble pli rapide ol naciaj lingvoj. En progresinta stadio la diferenco ne estas tiel okulfrapa – Esperanto estas lernata “nur” trioble pli rapide. Iu ajn lando povas fari similajn eksperimenton.

Kiel vi povas vidi, la kostoj de lernado estas nekompareblaj kun tiuj por naturaj lingvoj. Esperanto atingas tion danke al sia “artefariteco” kaj bona planado. La “natura” kaleŝo kun ĉevaloj kaj la “artefarita” aŭto estas samtiel nekompareblaj.

La tuta konstruo de la lingvo estas koncentrita sur minimuma enmemorigo. La gramatiko enhavas nur 16 regulojn. La plej gravaj el ili estas la sekvaj.

1. Literumo. En Esperanto, ĉiu litero signifas unu sonon kaj inverse. La legado de letero estas sendependa de la ĉirkaŭaj literoj.

2. Akcento. Ĉiam sur la antaŭlasta silabo.

3. Vortfinaĵoj. Substantivoj (en la singulara nominativa kazo) ĉiam finiĝas per **-o**. Simile, adjektivoj ĉiam finiĝas per **-a**, adverboj per **-e**.

4. Estas nur unu substantiva deklinacio kaj unu verba konjugacio.

5. Vortfarado (farado de derivitaj vortoj) estas unuforma.

Esperanto ne havas esceptojn. Ekzemple, ne ekzistas neregulaj verboj, kiuj troviĝas abunde en eŭropaj lingvoj. Vi regos eĉ 9 kunmetitajn tempojn de verboj en kelkaj minutoj – nur rigardante malgrandan tablon. Kaj ne nur lernos, sed vi ankaŭ uzos ilin libere – por tio vi ne bezonas rememori unuopajn verboformojn aŭ serĉi ilin en la konsultlibron. Ĉiuj kunmetitaj tempoj estas konstruitaj laŭ simplaj reguloj, kiel ludiloj el LEGO-blokoj. Tamen en ĉiutaga konversacio oni malofte uzas kunmetitajn tempojn, kutime tri simplaj tempoj sufiĉas – pasinta, nuna kaj estonta. Sed la rimedoj por esprimi subtilajn nuancojn de signifo en Esperanto estas ĉiam “en la flugiloj”.

Kaj tamen, kio estas la kialo de la mirinda leĝereco de Esperanto? Simpla ortografio kaj vortfarado, la foresto de esceptoj, klarigas la leĝerecon de Esperanto nur parte. La profunda kialo estas ke gramatiko en Esperanto estas tute aparta de vortprovizo. En tradiciaj lingvoj, vortaroj indikas ĉiun vorton kun ĝiaj gramatikaj atribuoj: gramatika sekso (en multaj lingvoj), deklinacio, (konjugacio), pluralo, ktp. En Esperanto, nenio el tio necesas. De tie venas “neverŝajnaj” komparoj de la facileco de Esperanto kun aliaj lingvoj.

Jen atesto de eŭropa esperantisto: *“Mi sciigos mian sperton pri lernado de Esperanto. Mi “celis” ĝin jam de jardekoj, legante plej konfliktajn opiniojn pri ĝi. Finfine, en la aĝo de 61 jaroj, parolante flue ses lingvojn, mi decidis lerni ĝin – venkis la scivolemo. Mi studis memstare kaj malrapide en Interreto. Du jarojn poste, mi surprizis konstati, ke gramatikaj problemoj en Esperanto tute malaperis. Ĉi tio estis okulfrapa diferenco de aliaj fremdaj lingvoj – germana, angla, itala, kiujn mi lernis dum jardekoj. La disiĝo de gramatiko de vortprovizo menciita supre efikis. Mi studis la germanan en la lernejo kaj en la universitato kiel fremdlingvo dum ĉirkaŭ 12 jaroj. Dum du jardekoj mi nur fojfoje memoris ĝin, poste mi «dizertis» de Ukrainio al Germanio kaj loĝas en Bavario pli ol 20 jarojn. Kaj mi konstatis, ke mi neniam ĉesos konfuziĝi en la genroj de substantivoj, en pluralaj finaĵoj, en konjugacio de verboj kaj aliaj ruzecoj de germana gramatiko. Miloj da homoj povas konfirmi mian sperton.»*

Kiom taŭgas Esperanto por komunikado

Dekoj da kongresoj kaj konferencoj estas organizitaj ĉiujare en Esperanto. Ilia sperto montras, ke paroli Esperanton ne estas pli malbona ol paroli aliajn lingvojn. Inkluzive de multaj fakaj konferencoj, kaj ili ne havas malfacilaĵojn pri terminologio.

Esperantistoj estas unuigitaj en organizaĵoj kaj laŭ landoj kaj laŭ multaj fakoj. Estas pli ol 60 fakaj asocioj

de esperantistoj. Preskaŭ ĉiu faka organizaĵo flegas vortarojn por sia fako, do terminologio en Esperanto estas bone evoluita. En la plej multaj fakoj la terminologio estas evoluigita al la bakalaŭra aŭ majstra nivelo. Ĉi-supra estas tre elektema. Sed ni ne forgesu, ke en la angla kaj naciaj lingvoj nova terminologio aperas rapide kaj estas inventata survoje.

En julio 2024 la Esperanto-Vikipedio okupas la 37-an lokon laŭ la kvanto de artikoloj, antaŭ multaj lingvoj kun dekoj kaj eĉ centoj da milionoj da parolantoj. Ĉirkaŭ 80 novaj artikoloj estas aldonataj ĉiutage.

La avantaĝoj de Esperanto inkluzivas ankaŭ minimumon de homonimoj (vortoj, kiuj estas samaj en sono/literumado sed malsamaj laŭ signifo). Dekoj da signifoj, kiel la anglaj vortoj *light* aŭ *pitch*, ekzemple, estas nepenseblaj en Esperanto.

Kio okazas kun tutmondiĝo?

Vi diros, ke anstataŭ unu ilo de tutmondiĝo – la angla lingvo – mi volas ŝovi al vi alian lingvon por tutmondiĝo. Se Esperanto ja fariĝos internacia lingvo, ĉu ĝi minacos la naciajn lingvojn? Esperantistoj argumentas, ke Esperanto ne celas anstataŭigi naciajn lingvojn, ĝi nur celas intergentan komunikadon kiel dua lingvo. Kaj ni ŝatus diri tion al vi, sed tiam ni estos malsinceraĵoj. Eterna dulingvismo estas bela sed nerealigebla fabelo. Fakte, ni observas, ke la internacia angla lingvo tute anstataŭis la irlandan lingvon. Multaj taksas la nombron de denaskaj parolantoj kiuj uzas la lingvon en ĉiutaga komunikado je nur 65 000 homoj (Vikipedio, artikolo “Irlanda lingvo”). Tio signifas, ke preskaŭ ĉiuj irlandanoj parolas la anglan. En Irlando du lingvoj estas oficialaj – la irlandaj kaj la angla. Tio estas ĝis nun la sola kazo en la mondo, kiam la dua ŝtata lingvo preskaŭ tute anstataŭis la originan ŝtatlingvon. En 54 landoj de la mondo, la angla estas la oficiala lingvo. En kelkaj el ili (Britio, Usono, Aŭstralio ktp.) oni parolas preskaŭ ekskluzive la anglan. En la ceteraj, multaj ne-anglaj lingvoj baldaŭ aŭ malfrue renkontos la sorton de la irlandaj lingvoj. Lando, kiu flegas sian lingvon kaj sian kulturon, neniam devas deklari la internacian lingvon la ŝtata lingvo kaj eĉ ne devas instrui certajn fakojn en lernejoj aŭ universitatoj en la internacia lingvo. Nun por 6% de la monda loĝantaro la angla estas denaska, alia 9% de la loĝantaro parolas ĝin kiel lernite.

Ĉiu internacia lingvo estas rimedo de tutmondiĝo. Kaj ĉiu internacia lingvo prezentas minacon al naciaj lingvoj. Tamen **la ŝanĝo de la internacia lingvo prokrastos por multaj jardekoj la sekvojn de la lingva tutmondiĝo kaj ankaŭ la minacon al naciaj lingvoj**. Tiusence Esperanto iĝus ilo kiu bremsas tutmondiĝon por jardekoj. Kaj la landoj, kiuj la unuaj subtenis Esperanton ĝuos, dum certa tempo, la samajn avantaĝojn, kiujn nun havas la anglalingvaj landoj.

Multaj homoj havas demandon: kial Esperanto ankoraŭ ne disvastiĝis tra la mondo? Mi menciis unu el la kialoj: la registaroj, ekzemple la franca registaro, malhelpis kaj malhelpas la disvastigon de Esperanto. La dua kialo estas inercio. En Eŭropo, la anstataŭigo de roma numerado per arabaj ciferoj daŭris centojn da jaroj, malgraŭ la fakto ke romia numerado malhelpis la evoluon de scienco kaj ekonomiko. Operacioj kun frakcioj estis ekstreme malfacilaj, ekzistis neniu maniero uzi kunmetitan intereson en pruntoj, ktp. En la Mezepoko en Eŭropo ekzistis titolo “doktoro de divizio”. Dividado en romia numerado estas eksterordinara kapablo.

Estas ankaŭ surprize, ke esperantistoj mem estas ege malefikaj por propagandi sian lingvon. Jaro post jaro nek Esperantaj periodaĵoj nek dokumentoj de organizaĵoj mencias la neceson instrui Esperanton en lernejoj. Esperanto-organizaĵoj estas konstante bankrotaj. Tial ili estas facile kontroleblaj de sekretaj servoj. Kaj tial la esperantaj organizaĵoj rajtas fari ĉion krom instruado en lernejoj. Tiam Esperanto ne povas konkuri kun la angla, kaj la stagno de Esperanto estas garantiita.

Kion oni povas fari en edukado?

La dominado de la angla lingvo komenciĝas per siaj dek jaroj da instruado en lernejoj koste de impostpagantoj. Tial, limigi la anglan oni devus komenci en la lernejo. Necesas forlasi la praktikon de universala instruado de la angla lingvo. Oni povas reveni al la praktiko de miksitaj lingvolernado, adoptita en multaj landoj antaŭ multaj jardekoj, kiam, kune kun la angla, oni instruis ĉefe la germanan kaj la francan. Formale, ĉi tiu situacio konserviĝis en multaj landoj eĉ nun, sed nun la granda plimulto de gepatroj volas instrui siajn infanojn ĝuste la anglan, do aliaj fremdaj lingvoj estis praktike anstataŭigitaj per la angla. Esperanto distingiĝas el aliaj fremdaj lingvoj – necesas multe malpli da studhoroj por regi ĝin. Se la nefakultativa instruado de Esperanto estus permesita kaj reduktita kvanto da horoj por Esperanto estus leĝigita, eblus pli-grandigi la nombron de horoj por iuj aliaj fakoj. En ĉi tiu kazo, iuj gepatroj volonte elektos Esperanton kiel fremdan lingvon por siaj infanoj. La kontingento de gepatroj kaj lernantoj estas heterogena – se la plimulto insistas pri la angla, tiam malpli ambiciaj gepatroj preferos la diversecan disvolviĝon de infanoj. Esperanto

ne devas esti komencita en la dua klaso de la elementa lernejo – sufiĉas komenci en la aĝo de 10-12 jaroj. Oni ne bezonas kvin lecionojn ĉiusemajne en Esperanto - du lecionoj ĉiusemajne sufiĉas. Je la fino de la kurso, estas konsilinde fari komparan taksadon de la angla kaj Esperanto-kapablo. Anglaj taksantoj ne devas scii, ke la noto estas por komparo kun Esperanto, alie ili ŝveligis notojn.

Esperanto-instruistoj povas esti instruistoj kun validaj diplomoj, kiuj trapasis kvalifikan ekzamenon en Esperanto.

Lernmetodika komplekso (LMK) en Esperanto por tri akademiaj jaroj por lernejoj aĝaj 10-14 jaroj (unua akademia jaro de studado de Esperanto) estis kreita en kvar lingvoj – rusa, hungara, germana kaj itala. Parte la sama lerneja kurso estas tradukita en la anglan kaj francan, la tradukado daŭras. Por ĉiu el la tri klasoj estas kerna lernolibro, ekzercaro kaj instruista gvidilo. Krome ekzistas lerneja vortaro komuna al ĉiuj tri klasoj kaj komputila disko kun multmediaj materialoj. Kelkaj lecionoj estas dediĉitaj al lernado de kantoj. Ĉiu kanto haveblas sur komputila disko (karaokeo) en la nacia lingvo kaj en Esperanto. Por ĉiu akademia jaro, 68 lecionoj estas disponigitaj (2 lecionoj ĉiusemajne). La aŭtoro klopodis fari la instrumaterialojn amikajn kaj interesajn por lernejoj. Kiomgrade tio sukcesis, juĝu fakuloj, lernantoj kaj instruistoj.

Anstataŭ konkludo

Kion povas alporti laŭgrada, demokratia kaj sendolora anstataŭigo de la lingvo de internacia komunikado? Antaŭ ĉio, la liberigo de grandegaj rimedoj, kiuj nun ŝtopos komplikajn literumojn kaj aliajn komplikajn de fremda lingvo. En la sekcio «Kiom kostas fremdaj lingvoj?» ni menciis, ke ĉirkaŭ unu jaro en la lernejo estas elspezata por fremda lingvo, kaj Esperanto permesas redukti la studtempon al triono de la jaro. Ĉi tio signifas, ke du trionoj de la jaro povas esti elspezitaj por pli utilaj studobjektoj. Aŭ, iom elpremite la lernejan instruplanon koste de aliaj fakoj, ŝparu tutan jaron da lernejo. Fakte, aldonu tutan jaron al ĉies vivo. Kaj krom tranĉi astronomiajn monsumojn.

En la lernolibroj de Esperanto por lernejoj la aŭtoro disponigis 204 horojn de la aĝo 10 ĝis 17 jaroj. Estus interese kompari la scinivelon de lernantoj kun tradiciaj fremdaj lingvoj, kiuj daŭras ĉirkaŭ 1500 horojn (eĉ pli kun profunda studado). Konforme al la sperto pri instruado de Esperanto, la nivelo de scipovo estus proksimume sama. Jen konkreta manifestiĝo de ekonomio en la instruado de Esperanto. La nuna stato de la lernolibro estas senpage elŝutebla en la arkivo ZIP ĉe <https://yadi.sk/d/dwkZp18U3SicnC>.

Krome, neŭtrala lingvo de internacia komunikado, kiu donas al neniu lando lingvan avantaĝon, kontribuas al la starigo de pli justa monda ordo, forigante la altrudon de la valoroj de iuj popoloj al aliaj.

La gvidaj landoj en la propagando de Esperanto dum longa tempo havas la samajn avantaĝojn, kiujn nun havas la anglalingvaj landoj. Tio estas bona argumento por persvadi aliajn landojn subteni Esperanton.

Paco venos al la mondo kiam la Prezidantoj de Rusio kaj Ĉinio salutos unu la alian en Esperanto. Ĉu vi ne kredas? Ni provu! La mondo certe ne plimalboniĝos. En ĉiu nova kaj granda afero ekzistas kvin ĉefaj etapoj:

1. Bruo. 2. Ĥaoso. 3. Serĉado de kulpuloj. 4. Puno de senkulpuloj. 5. Premiado de nerilatuloj.

Literaturo

1. Flochon, Bruno, 2000, « L'espéranto », in Gauthier, Guy (ed.) Langues: une guerre à mort, Panoramiques. 4e trim. 48: 89-95.
2. http://e-journal.spa.msu.ru/vestnik/item/53_2015pugachev.htm
3. http://www.internacilingvo.org/public/126_plena.htm

Nia Strato - Esperanto Ne Nazarbajev Strato!

Esperantistoj petas al la urbodomo de Kazan' redonu la nomon de Esperanto al la nuntempa strato de Nazarbajev. Tiu ĉi strato ekde la 20-aj jaroj de la 20-a jarcento dum multaj jardekoj nomiĝis kiel strato de Esperanto.



Хиёбан ма – асперанто не хиёбан نظرбайف

аин хиёбан др شهر казан
جمهورى تاتارستان аз دهه
دوم قرن بيستم به نام «хиёбан

асперанто» ناميده و شناخته شده است. چندى قبل شهردار اين شهر نام آن را به «نورسلطان نظرбайف» تغيير داد. اين موضوع باعث اعتراض مردم و بويژه اسپرانتودانان شده است. در تصوير سمت چپ مردى را مى بينيد كه پلاكاردى با نوشته «хиёбан ма اسپرانتو، نه نظرбайف» در دست دارد.

زبان به مثابه ابزار سیاسی

چگونه و به چه چیزی ما را متمایل می‌کند؟

به دلیل وضعیت بین‌المللی زبان انگلیسی، تأثیر کشورهای انگلیسی‌زبان بر فرآیندهای جهانی بسیار بیشتر از وزن واقعی اقتصادی و سیاسی آنهاست. کشورهای غیرانگلیسی‌زبان در شرایط عمیقاً نابرابر با آنها قرار دارند - این موضوع برای کل فضای اطلاعات جهانی، از جمله تبلیغات و فعالیت‌های سازمان‌های بین‌المللی صدق می‌کند.

این مطلب از نشریه علمی پروفیسور و.پ. پوگایف از دانشگاه دولتی مسکو است. مقاله - در میان دیگر موارد - می‌گوید:

"امروز واضح است که تحمیل زبان انگلیسی به سایر ملل یکی از مهم‌ترین شرایط برای گسترش اطلاعات جهانی ایالات متحده، تسلط آژانس‌های خبری و رسانه‌های آمریکایی در فضای اطلاعات جهانی، گسترش جهانی ارزش‌های "فرهنگ توده‌ای" و سبک زندگی آمریکایی است. وضعیت زبان انگلیسی به عنوان زبان ارتباطات جهانی، مزیت بزرگی برای ایالات متحده در انتشار اطلاعات، گسترش ارزش‌ها و استانداردهای مطلوب برای ایجاد رهبری جهانی آمریکایی و ایجاد نظم جهانی جدید ایجاد می‌کند.

تحمیل زبان انگلیسی به عنوان زبان ارتباطات جهانی به موارد زیر کمک می‌کند:

- بی‌هویتی آگاهی دیگر ملت‌ها، شکل‌گیری حس حقارت زبانی در آنها و به عنوان معکوس این فرآیند، نرمال‌سازی و ایده‌آل‌سازی زبان انگلیسی و فرهنگ انگلیسی‌زبان. طبق قانون روانشناختی تداعی‌ها، چنین نرمال‌سازی زبانی به‌طور ناخودآگاه به کشورها و سخنگویان آنها - ایالات متحده و بریتانیا - منتقل می‌شود؛

- تحمیل مفهوم جهانی مرکزیت ایالات متحده به ملت‌های جهان، سرکوب تفکر مستقل آنها که به نوبه خود شرط مهمی برای پذیرش سیاست تسلط ایالات متحده و نزدیک‌ترین متحدان آن در جهان است؛

- افزایش کانال‌های تأثیر ایدئولوژیک، عمدتاً به دلیل در دسترس بودن اطلاعات منتقل شده از رسانه‌های آمریکایی، آژانس‌های اینترنتی و غیره، استفاده از اشکال مختلف یادگیری زبان انگلیسی در کشورهای غیرانگلیسی‌زبان، همچنین در ایالات متحده، ارتباطات علمی، گردشگری و دیگر ارتباطات اینترنتی؛

- ایجاد مزیت‌هایی برای آمریکایی‌ها در اشکال مختلف ارتباطات بین‌المللی (به عنوان مثال در ارزیابی مقالات علمی، مسابقات و غیره) و همچنین صرفه‌جویی در زمان زیادی برای شهروندان آمریکا و دیگر کشورهای انگلیسی‌زبان که صرف یادگیری زبان خارجی می‌شود."

در تاریخ ۷ ژوئیه ۱۹۹۲، روزنامه International Herald Tribune نوشت: "استفاده از زبان انگلیسی تأثیر سیاسی کشورهای انگلیسی‌زبان را بسیار بیشتر از یک اقتصاد قوی یا قدرت نظامی افزایش می‌دهد."

دیوید گرادول در کتاب خود "English Next" به بحث در اروپا اشاره می‌کند. در آنجا، در نوشته‌های پروفیسور فرانسوا گرین از ژنو، درباره زبان انگلیسی به عنوان قدرتمندترین ماشین تبلیغاتی که تاکنون توسط بشریت ایجاد شده است، صحبت می‌شود. این ماشین هر روز به مردم در برنامه‌های تلویزیونی، تبلیغات اینترنتی و مجلات می‌گوید که باید به چه چیزی فکر کنند.

در سال ۱۹۹۷، گوردون براون، وزیر دارایی بریتانیا (که بعداً نخست‌وزیر شد) وضعیت بین‌المللی زبان انگلیسی را تجارتي سودآورتر برای اقتصاد نسبت به تولید و صادرات نفت، کشتی‌سازی، هوانوردی یا صنعت غذا نامید. او همچنین گفت که اگر این روند ادامه یابد، تا سال ۲۰۰۰ زبان مادری بیشتر از تمام معاملات مالی به بریتانیا پول خواهد آورد.

دلار به عنوان ارز بین‌المللی نیز تأثیر مشابهی دارد. لیبی به دلیل اینکه ابتدا شروع به تردید علنی در نقش دلار به عنوان ارز بین‌المللی کرد، ویران شد. واکنش مشابهی علیه بریکس ممکن نیست.

آیا باید وحشت کرد؟

دنیا به قدری به پیروزی زبان انگلیسی عادت کرده که هیچ‌کس به هیچ جایگزینی برای آن فکر نمی‌کند. اما یک پل مؤثر و کاملاً بدون هزینه برای زبان انگلیسی وجود دارد - مقابله با زبان بین‌المللی اسپرانتو.

به دلیل سهولت آن، اسپرانتو تنها زبانی است که می‌تواند با حمایت دولتی با زبان انگلیسی رقابت کند. اسپرانتو به حمایت مالی نیاز ندارد؛ تنها منابع مدیریتی می‌توانند کارهای زیادی برای گسترش اسپرانتو انجام دهند.

مهم‌ترین نکته برای این کار، برابر قرار دادن اسپرانتو در مدارس با سایر زبان‌های خارجی است. تا همه بتوانند آن را به اندازه زبان انگلیسی، آلمانی و سایر زبان‌ها انتخاب کنند.

شما به طور طبیعی سوالاتی دارید: - چه کسی به زبانی «بی‌فایده»، هرچند آسان، نیاز دارد؟ - آیا والدین می‌خواهند اسپرانتو را برای فرزندانشان انتخاب کنند؟ و بسیاری سوالات مشابه دیگر.

شایع‌ترین برآورد این است که حدود ۲ میلیون نفر به طور روان اسپرانتو صحبت می‌کنند. بنابراین به سختی می‌توانید افرادی را پیدا کنید که در خیابان‌های خارج از کشور اسپرانتو صحبت کنند. اما فرصت‌های کافی برای ارتباط در اینترنت وجود دارد. پیدا کردن آدرس‌هایی برای مکاتبه در

مورد هر موضوعی و در هر کشوری آسان است. بسیاری از فرورمها به زبان اسپرانتو وجود دارد. فقط فرورم در Lernu.net دارای ۲۷۰۰۰۰ کاربر ثبت نام شده است.

مزیت دیگری از اسپرانتو: تأثیر آموزشی قابل توجه و غیرمنتظره‌ای از اسپرانتو مشخص می‌شود. به عبارت دیگر، یادگیری آن به شدت یادگیری سایر زبان‌های خارجی را تسهیل می‌کند. زیرا حدود ۶۰٪ از کلمات در اسپرانتو ریشه‌های لاتین دارند، به نوعی می‌توان آن را به عنوان زبانی از گروه زبان‌های لاتینی در نظر گرفت و به ویژه درک و جذب زبان‌های این گروه - اسپانیایی، ایتالیایی، فرانسوی، پرتغالی و غیره را تسهیل می‌کند. بنابراین اسپرانتو به اندازه‌ای که بسیاری از مردم فکر می‌کنند بی‌فایده نیست.

در مورد محبوبیت اسپرانتو در مدارس، به نظر می‌رسد که با گسترش جایگزینی سایر زبان‌های خارجی با زبان انگلیسی، اسپرانتو شانس برای محبوب شدن ندارد. اما اول، به دلیل سهولت فوق‌العاده‌اش، سناریو برای اسپرانتو می‌تواند متفاوت باشد: اسپرانتو می‌تواند به آرامی اما با اطمینان محبوبیت کسب کند. دوم، در اکثر کشورها، در مدارس زبان خارجی دومی تدریس می‌شود و اسپرانتو می‌تواند به همراه زبان انگلیسی آموزش داده شود و نه به جای آن. در سنین ۱۰-۱۲ سالگی، زمانی که معمولاً شروع به یادگیری زبان خارجی دوم می‌کنند، گروهی از دانش‌آموزان هستند که به دلایل مختلف در زبان خارجی ضعیف عمل می‌کنند. برای آن‌ها اسپرانتو می‌تواند به یک منطقه امن تبدیل شود - آن‌ها حداقل یک زبان خارجی خواهند آموخت.

حتی امروز، بدون هیچ حمایتی، نمونه‌هایی از صدها دانش‌آموز یا یادگیرنده وجود دارد که به طور داوطلبانه اسپرانتو را یاد می‌گیرند. دوره‌های تابستانی بی‌شماری برای یادگیری اسپرانتو برای کودکان و بزرگسالان وجود دارد. در مجارستان تقریباً ۲۰۰۰ دانش‌آموز هر ساله آزمون اسپرانتو را به عنوان زبان خارجی برای فوق‌دیپلم خود می‌گذرانند. به نظر می‌رسد آن‌ها ناامید شده‌اند که زبان خارجی خود را که در مدرسه به مدت ۱۰ سال مطالعه کرده‌اند، به پایان برسانند. اسپرانتو برای آن‌ها یادگیری از صفر را آسان‌تر می‌کند.

تخمین زده می‌شود که برای موفقیت اسپرانتو، لازم است حدود ۵۰ میلیون نفر به این زبان صحبت کنند. این عدد با جمعیت ایتالیا قابل مقایسه است. زبان ایتالیایی به عنوان زبان خارجی در جهان نسبتاً محبوب است و تعداد بیشتری از مردم آن را خارج از ایتالیا صحبت می‌کنند تا در خود ایتالیا. اسپرانتو به دلیل سهولت خود بسیار محبوب‌تر خواهد شد و تعداد افرادی که آن را صحبت می‌کنند به طور مداوم افزایش خواهد یافت.

هزینه زبان‌های خارجی چقدر است؟

برای اکثر مردم، زبان خارجی از مدرسه آغاز می‌شود. تعداد کل درس‌های زبان خارجی در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته (غیر انگلیسی‌زبان) تقریباً یک دهم کل درس‌ها است، یا تقریباً یک سال تحصیلی به‌طور کلی برای دبیرستان. محاسبه این موضوع با جمع‌آوری ساعت‌های آموزشی برای رشته‌های مختلف در طول کل دوره مدرسه آسان است. از اینجا، آسان است که تقریباً برآورد کنیم چه مقدار از بودجه آموزشی به زبان‌های خارجی اختصاص یافته است.

در روسیه سالیانه حدود ۲۰۰ میلیارد روبل، و در اتحادیه اروپا حدود ۸۹ میلیارد یورو هزینه صرف می‌شود. توجه کنید - هزینه از طرف مالیات‌دهندگان است، و بخش عمده آن صرف آموزش زبان انگلیسی می‌شود. همان‌طور که قورباغه‌ی هیپنوتیزم شده به دهان مار می‌پرد. آموزش اسپرانتو به جای زبان‌های خارجی سنتی می‌تواند این هزینه‌ها را تا حدود یک‌سوم کاهش دهد. این ممکن است برای شما غیرقابل باور به نظر برسد، اما زیر این متن دلایل آن را خواهید یافت.

اما صرف هزینه‌های بودجه آموزشی تنها نوک کوه یخ است. هر دانش‌آموز تقریباً یک سال از زندگی‌اش را برای یادگیری زبان خارجی صرف می‌کند. علاوه بر این، والدین به مدت تقریباً یک سال از کودکان حمایت می‌کنند تا زبان خارجی یاد بگیرد. بعلاوه، هزینه‌های همه نوع ترجمه، دوره‌ها و غیره نیز بسیار قابل توجه هستند. با این هزینه‌های اضافی، برآورد می‌شود که اتحادیه اروپا سالانه حدود ۳۵۰ میلیارد یورو برای زبان‌های خارجی صرف می‌کند. در سطح جهانی، این مبلغ به طور سالانه کمتر از یک و نیم تریلیون یورو نیست. اسپرانتو اجازه می‌دهد تا حدود دو سوم از این مقدار صرفه‌جویی و به‌طور بهتری استفاده شود.

همچنین جالب است که بیش از یک میلیارد یورو سالانه فقط برای ترجمه‌ها در پارلمان اروپا و نهادهای مرکزی دولتی اتحادیه اروپا صرف می‌شود. شما خواهید گفت: همه این محاسبات به یادآورنده یک فانتزی سرگرم‌کننده درباره‌ی موضوع «چه می‌شود اگر همه کشورها به‌طور ناگهانی خلع سلاح شوند» است. اما در بالا گفته شده است که موفقیت اسپرانتو تنها به منابع اداری نیاز دارد، نه منابع مالی یا دیگر منابع، و هیچ منافع خاصی (به جز ساکنان کشورهای انگلیسی‌زبان) آسیب نخواهد دید.

این‌ها هزینه‌های زبان‌های خارجی هستند، اما نه در کشورهای انگلیسی‌زبان. در مورد کشورهای انگلیسی‌زبان چطور؟ تقریباً در هر جا آن‌ها بدون دغدغه زبان خارجی می‌آموزند و برای آن بسیار کمتر از سایر کشورها هزینه می‌کنند. به عنوان مثال، در ایالات متحده، یادگیری زبان خارجی در مدرسه تنها در ۷ ایالت از ۵۰ ایالت الزامی است.

در بریتانیا، حدود ۷۵ درصد از جمعیت هیچ زبان خارجی صحبت نمی‌کنند. بخشی از پول صرفه‌جویی شده برای زبان‌های خارجی (یعنی ده‌ها، اگر نه صدها میلیارد یورو در سال) برای ترویج «غیرانتفاعی و خیریه» زبان انگلیسی خرج می‌شود. علاوه بر این، شورای بریتانیا (British Council) در این فعالیت جایگاهی برجسته دارد. بودجه آن شامل یک‌سوم از کمک‌ها، یک‌سوم از درآمد حاصل از آموزش زبان انگلیسی، و یک‌سوم از تأمین مالی دولتی است.

ژنرال یوری دروزدوف، رئیس یکی از ادارات اطلاعاتی KGB اتحاد جماهیر شوروی از ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۱، اظهار داشت: «شورای بریتانیا به‌صورت مستقیم با سرویس‌های مخفی بریتانیا و ایالات متحده مرتبط است.» به عنوان مثال، در یکی از کنفرانس‌های مطبوعاتی دروزدوف گفت: «رهبری شورای بریتانیا شامل افرادی است که در سرویس‌های خاص آموزش دیده‌اند.»

چرا یک زبان جدید ایجاد می شود؟

چندزبانگی گنجینه ارزشمند بشریت است، مانند انواع شگفت انگیزی از گیاهان و حیوانات است. اما در عین حال، چند زبانه بودن اغلب یک مانع آزاردهنده برای برقراری ارتباط است.

لودویگ زامنهوف (۱۸۵۹ - ۱۹۱۷) شهروند امپراتوری روسیه نیز به مشکلات زبان فکر می کرد. راه حل به نظر «ساده» است: ما به زبانی نیاز داریم که به غیر از زبان مادری، همه بدانند. این زبان باید چه باشد؟ زامنهوف در بیالیستوک (اکنون قلمرو لهستان) به دنیا آمد و بزرگ شد و به لطف یک محیط چند زبانه، در کودکی به چندین زبان - روسی، لهستانی، آلمانی، عبری تسلط یافت. علاوه بر این، او زبان را در دبیرستان و دانشگاه پزشکی و همچنین بصورت خودآموز تحصیل کرد. او با مقایسه متفکرانه زبانها، «آواها، کلمات و استثنائات» غیرضروری را در هر یک از آنها یافت که یادگیری آنها را پیچیده می کند. زامنهوف پس از تفکر بسیار متوجه شد که هیچ یک از زبان های موجود یا باستانی برای نقش یک زبان بین المللی مناسب نیستند. زبانها به طور خود به خود در طول هزاره ها تکامل یافته اند، بنابراین هر یک مانند خانه ای است که بدون برنامه ساخته شده است. هر یک از آنها زیبا، منحصر به فرد، اما به نحوی غیرضروری پیچیده است. به ویژه، به دلیل توسعه، هر زبانی استثنای زیادی دارد. علاوه بر این، زبان هر ملت یا دولتی غیرقابل قبول است، زیرا بین المللی شدن، امتیازات زیادی به نمایندگان این ملت می دهد.

در نتیجه سالها کار، زامنهوف زبان جدیدی ایجاد کرد و در سال ۱۸۸۷ اولین کتاب درسی به زبان روسی را با نام مستعار *Doktoro Esperanto* منتشر کرد. زامنهوف آفرینش خود را به سادگی «زبان بین المللی» نامید، اما به زودی آن را اسپرانتو - برگرفته از نام مستعار نویسنده - نامیدند. کتابهای درسی اسپرانتو به زودی به زبانهای مختلف دیگر ظاهر شدند.

اسپرانتو اولین و آخرین زبان ساخته شده مصنوعی نبود (در زبان شناسی به آنها زبانهای برنامه ریزی شده گفته می شود). اما از نظر تعداد سخنرانان و عمق توضیح، از سایر زبانهای برنامه ریزی شده، بسیار پیشی گرفت. آکادمی اسپرانتو مرتباً ترتیب زبان را بررسی می کند. این امر همچنین به معنای غنای زبان است.

اسپرانتو چقدر ساده تر است؟

سهولت و سادگی اسپرانتو فراتر از همه انتظارات بود. در قرن گذشته، تعداد زیادی از مطالعات انجام شد، و همه آنها سهولت شگفت انگیز اسپرانتو را تایید کردند. یکی از این مطالعات در دانشگاه شهر پادربورن آلمان انجام شد [۱]. دانش آموزان فرانسوی، زبانهای آلمانی، انگلیسی، ایتالیایی و اسپرانتو را از ابتدا آموختند. برای رسیدن به یک سطح برابر در هر زبان، آنها ساعات زیر را صرف کردند:

آلمانی ۲۰۰۰ ساعت، انگلیسی ۱۵۰۰ ساعت، زبان ایتالیایی ۱۰۰۰ ساعت، اسپرانتو ۱۵۰ ساعت

در فاصله ۱۹۲۵-۱۹۳۱ [۳]، مطالعه ای در دانشگاه کلمبیا (ایالات متحده آمریکا) انجام شد. هدف از مطالعه این بود که بفهمیم آیا زبان برنامه ریزی شده برای یادگیری آسان تر است و تا چه حد. این مطالعه به سفارش IALA (انجمن زبانهای کمکی بین المللی) و توسط دکتر ادوارد توردیک، رئیس بخش روانشناسی موسسه آموزش در دانشگاه کلمبیا سازماندهی شد.

نتیجه گیری: - برای یک دانش آموز متوسط، اسپرانتو نوشتاری و گفتاری بعد از ۲۰ ساعت مطالعه بیشتر از ۱۰۰ ساعت فرانسوی، آلمانی یا اسپانیایی قابل درک بود.

- نتایج ۵ ساعت مطالعه آلمانی تقریباً صفر است. ۵ ساعت یادگیری اسپرانتو برای مرور گرامر کافی است.

- نتایج ۱۰-۱۰۰ ساعت مطالعه به زبان اسپرانتو ۵-۱۵ برابر بهتر از مطالعه زبانهای ملی است، بسته به دشواری زبان ملی

آزمایش دیگری در سال ۱۹۶۲-۱۹۶۳ در دانشگاه بوداپست *Eötvös Lorand* انجام شد. هدف از این آزمایش مقایسه یادگیری زبانهای اسپرانتو، آلمانی، انگلیسی و روسی در سه کلاس دبیرستان بود.

نتیجه گیری: برای کودکان مجارستانی، نرخ فراگیری زبان به شرح زیر بود: روسی - ۳۰٪، آلمانی - ۴۰٪، انگلیسی - ۶۰٪، اسپرانتو - ۱۳۰٪. این داده ها به طور کامل نتیجه گیری های قبلی پروفیسور را تایید می کند: در شرایط تدریس در مدرسه، اسپرانتو تنها زبانی است که اهداف آموزشی آن امکان پذیر است.

بر اساس این آزمایش ها و آزمایش های دیگر، عموماً پذیرفته شده است که در مرحله اولیه، اسپرانتو ده برابر سریع تر از زبانهای ملی یاد گرفته می شود. در مرحله پیشرفته تفاوت چندان چشمگیر نیست - اسپرانتو «تنها» سه برابر سریع تر یادگیری می شود. هر کشوری می تواند آزمایش مشابهی انجام دهد.

همانطور که می بینید، هزینه های یادگیری اسپرانتو با هزینه های زبانهای طبیعی قابل مقایسه نیست. اسپرانتو به لطف «مصنوعی بودن» و برنامه ریزی شده بودن خوبش به این مهم دست می یابد. کالسه «طبیعی» با اسب و ماشین «مصنوعی» به همان اندازه غیرقابل مقایسه هستند

کل ساخت زبان بر حداقل حفظیات متمرکز است. گرامر فقط شامل ۱۶ قانون است. مهمترین آنها موارد زیر است:

۱. املا: در اسپرانتو هر حرف به معنای یک صدا است و بالعکس. نحوه تلفظ یک حرف مستقل از حروف اطراف آن است.

۲. آکسان یا تأکید بر روی سیلاب: همیشه بر روی سیلاب ماقبل آخر کلمه است.

۳. پایانه کلمات: اسمها (در حالت اسمی مفرد) همیشه به -o ختم می شوند. به همین ترتیب، صفتها همیشه به -a و قیدها به -e ختم می شوند

۴. اسم فقط یک جور صرف می شود، فعل هم تنها یک جور صرف می گردد..

۵. واژه‌سازی (ساخت واژه‌های ترکیبی) یک شکل است.

اسپرانتو هیچ استثنایی ندارد. به عنوان مثال، هیچ فعل بی‌قاعده‌ای وجود ندارد - امری که در زبان‌های اروپایی فراوان است. فقط با نگاه کردن به یک جدول کوچک، در عرض چند دقیقه حتی بر ۹ زمان مرکب افعال مسلط خواهید شد. و نه تنها یاد خواهید گرفت، بلکه آزادانه از آنها نیز استفاده خواهید کرد - برای این کار نیازی نیست فرم‌های گوناگون صرف هر فعل را برای متکلم و مخاطب و ... به خاطر بسپارید یا آنها را در کتاب مرجع جستجو کنید. تمام زمان‌های مرکب بر اساس قوانین ساده ساخته می‌شوند، مانند قطعات لگو. با این حال، در مکالمات روزمره زمان‌های مرکب به ندرت استفاده می‌شود، معمولاً سه زمان ساده کافی است - گذشته، حال و آینده. اما ابزار برای بیان تفاوت‌های ظریف معنا در اسپرانتو همیشه «در دسترس» است.

و با این حال، دلیل آسانی شگفت‌انگیز اسپرانتو چیست؟ املا و واژگان ساده، فقدان استثناءها، سهولت فراگیری اسپرانتو را فقط تا حدی توضیح می‌دهد. دلیل عمیق این است که گرامر در اسپرانتو کاملاً جدا از واژگان است. در زبان‌های سنتی، لغت‌نامه‌ها هر کلمه را با ویژگی‌های دستوری آن نشان می‌دهند: جنسیت دستوری (در بسیاری از زبان‌ها)، صرف پیچیده، جمع و غیره. در اسپرانتو، هیچ یک از اینها ضروری نیست. بخاطر این دلایل است که مقایسه‌های بین سهولت اسپرانتو با زبان‌های دیگر غیرقابل باور به نظر می‌رسند.

در اینجا شهادتی از یک اسپرانتیست اروپایی می‌آوریم: «تجربه خود را در مورد یادگیری اسپرانتو به اشتراک می‌گذارم. من چندین دهه بود که آن را «هدف» گرفته و متناقض‌ترین نظرات را در مورد آن می‌خواندم. سرانجام، در سن ۶۱ سالگی، در حالی که به شش زبان روان صحبت می‌کردم، تصمیم گرفتم آن را یاد بگیرم - کنجکاوی من برنده شد. من اسپرانتو را به صورت خودآموز و به آرامی در اینترنت فرا گرفتم. دو سال بعد، با تعجب متوجه شدم که مشکلات گرامری در اسپرانتو کاملاً ناپدید شده است. این امر تفاوت قابل توجهی با سایر زبان‌های خارجی دیگر داشت - آلمانی، انگلیسی، ایتالیایی، که در طول عمرم یاد گرفته بودم. جداسازی دستور زبان از واژگان در زبان اسپرانتو تأثیر فراوانی در آسان‌سازی آن داشته است. حدود ۱۲ سال آلمانی را در مدرسه و دانشگاه به عنوان زبان خارجی خواندم. سپس در طول دو دهه من فقط گهگاه آن را به یاد می‌آوردم، سپس از اوکراین به آلمان «فرار» کردم و بیش از ۲۰ سال است که در بایرن آلمان زندگی می‌کنم. و فهمیدم که هرگز از گیج شدن در جنسیت اسم‌ها، در پایانه‌های جمع، در صرف افعال و سایر استثنای دستور زبان آلمانی دست برنمی‌دارم. هزاران نفر می‌توانند تجربه من را تایید کنند.»

اسپرانتو چقدر برای ارتباط مناسب است

هر ساله ده‌ها کنگره و کنفرانس به زبان اسپرانتو برگزار می‌شود. تجربه آنها نشان می‌دهد که صحبت کردن به اسپرانتو راحت‌تر از صحبت کردن به زبان‌های دیگر است. از جمله بسیاری از کنفرانس‌های حرفه‌ای، و آنها هیچ مشکلی با اصطلاحات ندارند.

اسپرانتیست‌ها هم بر اساس کشورها و هم بر اساس بسیاری از رشته‌ها و فعالیت‌های گوناگون در سازمان‌های مختلف با هم متحد می‌شوند. بیش از ۶۰ انجمن تخصصی اسپرانتیست‌ها وجود دارد. تقریباً هر سازمان تخصصی برای بخش خود فرهنگ اصطلاحات تخصصی یا ترمینولوژی دارد، بنابراین اصطلاحات در اسپرانتو به خوبی توسعه یافته است. در اکثر رشته‌ها، اصطلاحات به سطح کارشناسی یا کارشناسی ارشد توسعه داده شده‌اند. موارد فوق بسیار انتخابی است. اما فراموش نکنیم که در زبان‌های انگلیسی و ملی اصطلاحات جدید به سرعت ظاهر می‌شوند و در طول مسیر اختراع می‌شوند. در ژوئیه ۲۰۲۴، ویکی‌پدیای اسپرانتو از نظر تعداد مقالات، بالاتر از بسیاری از زبان‌ها با ده‌ها و حتی صدها میلیون گویشور، در رتبه ۳۷ قرار گرفت. هر روز حدود ۸۰ مقاله جدید اضافه می‌شود.

مزایای اسپرانتو همچنین شامل حداقل همنام‌ها (کلماتی که از نظر تلفظ/املا یکسان هستند اما از نظر معنی متفاوت هستند) می‌باشد. برای مثال وجود کلماتی انگلیسی مانند *light* یا *pitch*، با ده‌ها معنی، در اسپرانتو غیرقابل تصور است.

با جهانی شدن چه اتفاقی می‌افتد؟

شما خواهید گفت که به جای یک ابزار جهانی‌سازی - زبان انگلیسی - می‌خواهم زبان دیگری برای جهانی شدن به شما بدهم. اگر اسپرانتو به یک زبان بین‌المللی تبدیل شود، آیا زبان‌های ملی را تهدید می‌کند؟ اسپرانتیست‌ها استدلال می‌کنند که اسپرانتو جایگزین زبان‌های ملی نیست، بلکه هدف آن فقط ارتباطات بین قومیتی به عنوان زبان دوم است. و ما می‌خواهیم این را به شما بگوییم، اما در این صورت ناصداق خواهیم بود. دوزبانگی ابدی یک افسانه زیبا اما غیرقابل تحقق است. در واقع مشاهده می‌کنیم که زبان بین‌المللی انگلیسی به طور کامل جایگزین زبان ایرلندی شده است. بسیاری تعداد گویشوران بومی را که از این زبان (ایرلندی) در ارتباطات روزانه استفاده می‌کنند تنها ۶۵۰۰۰ نفر تخمین می‌زنند (ویکی‌پدیا، مقاله «زبان ایرلندی»). این بدان معناست که تقریباً همه مردم ایرلند انگلیسی صحبت می‌کنند. در ایرلند دو زبان رسمی هستند - ایرلندی و انگلیسی. این تنها مورد در جهان است که زبان دولتی دوم تقریباً به طور کامل جایگزین زبان اصلی شده است. در ۵۴ کشور جهان، انگلیسی زبان رسمی است. در برخی از آنها (بریتانیا، ایالات متحده، استرالیا و غیره) تقریباً به طور انحصاری انگلیسی صحبت می‌شود. در بقیه، بسیاری از زبان‌های غیر انگلیسی دیر یا زود به سرنوشت زبان ایرلندی خواهند رسید. کشوری که زبان و فرهنگ خود را گرامی می‌دارد، هرگز نباید زبان بین‌المللی را زبان دولتی اعلام کند و حتی نباید برخی دروس را در مدارس یا دانشگاه‌ها به زبان بین‌المللی تدریس کند. در حال حاضر برای ۶٪ از جمعیت جهان، انگلیسی بومی است، ۹٪ دیگر از جمعیت آن را به عنوان آموخته صحبت می‌کنند.

هر زبان بین‌المللی وسیله‌ای برای جهانی شدن است. و هر زبان بین‌المللی تهدیدی برای زبان‌های ملی است. با این حال، تغییر زبان بین‌المللی پیامدهای جهانی شدن زبانی و همچنین تهدید زبان‌های ملی را برای چندین دهه به تعویق خواهد انداخت. به این معنا، اسپرانتو به ابزاری تبدیل خواهد شد که برای چندین دهه جهانی شدن را کند می‌کند. و کشورهایی که برای اولین بار از اسپرانتو حمایت کردند، برای مدت معینی از همان مزایای برخوردار خواهند بود که کشورهای انگلیسی‌زبان اکنون دارند.

بسیاری از مردم این سوال را دارند: چرا اسپرانتو هنوز در سراسر جهان گسترش نیافته است؟ یکی از دلایل را ذکر کردم: دولت‌ها مثلاً دولت

فرانسه از گسترش اسپرانتو جلوگیری کردند و می‌کنند. دلیل دوم اینرسی است. در اروپا جایگزینی اعداد رومی با اعداد عربی برای صدها سال ادامه یافت، علیرغم اینکه اعداد رومی مانع توسعه علم و اقتصاد می‌شد. عملیات با کسری بسیار دشوار بود، هیچ راهی برای استفاده از سود مرکب در وام و غیره وجود نداشت. در قرون وسطی در اروپا عنوان «دکتر تقسیم» وجود داشت. تقسیم کردن به اعداد رومی یک مهارت فوق العاده است همچنین جای تعجب است که خود اسپرانتیست‌ها در ترویج زبان خود به شدت ناکارآمد هستند. سال به سال، نه نشریات اسپرانتو و نه اسناد سازمان‌ها به لزوم آموزش اسپرانتو در مدارس اشاره نمی‌کنند. سازمان‌های اسپرانتو برای همیشه ورشکست شده‌اند. به همین دلیل است که کنترل آنها توسط سرویس‌های مخفی آسان است. و به همین دلیل است که سازمان‌های اسپرانتو حق دارند هر کاری بکنند جز آموزش در مدارس. پس اسپرانتو نمی‌تواند با انگلیسی رقابت کند و رکود اسپرانتو تضمین شده است.

در آموزش و پرورش چه می‌توان کرد؟

سیطره زبان انگلیسی با ده سال تدریس آن در مدارس به هزینه مالیات‌دهندگان آغاز می‌شود. بنابراین، محدود کردن زبان انگلیسی باید از مدرسه شروع شود. ضروری است که از آموزش جهانی زبان انگلیسی چشم‌پوشی کنیم. می‌توانیم به تمرین یادگیری ترکیبی زبان، که در بسیاری از کشورها چندین دهه پیش پذیرفته شده بود، بازگردیم، زمانی که به همراه انگلیسی، آلمانی و فرانسوی عمدتاً آموزش داده می‌شد. به طور رسمی، این وضعیت در بسیاری از کشورها حتی در حال حاضر حفظ شده است، اما اکنون اکثریت قریب به اتفاق والدین می‌خواهند به فرزندان خود دقیقاً انگلیسی آموزش دهند، بنابراین سایر زبان‌های خارجی عملاً جایگزین انگلیسی شده‌اند. اسپرانتو با سایر زبان‌های خارجی متفاوت است - برای تسلط بر آن ساعت‌های مطالعه بسیار کمتری نیاز است. اگر تدریس اسپرانتو اجازه داده شود و ساعات کاهش یافته برای اسپرانتو قانونی شود، امکان افزایش ساعت برای برخی دروس دیگر وجود خواهد داشت. در این صورت برخی از والدین با کمال میل اسپرانتو را به عنوان زبان خارجی برای فرزندان خود انتخاب می‌کنند. گروه والدین و دانش‌آموزان ناهمگون است - اگر اکثریت بر زبان انگلیسی پافشاری کنند، والدین کمتر جاه طلب رشد متنوع کودکان را ترجیح می‌دهند. لازم نیست اسپرانتو را از کلاس دوم دبستان شروع کنید - کافی است از سن ۱۰-۱۲ سالگی شروع کنید. شما نیازی به پنج درس در هفته در اسپرانتو ندارید - دو درس در هر هفته کافی است. در پایان دوره، ارزیابی مقایسه‌ای مهارت‌های انگلیسی و اسپرانتو توصیه می‌شود. ارزیاب‌های انگلیسی نباید بدانند که این نمره برای مقایسه با اسپرانتو است، در غیر این صورت نمرات را افزایش می‌دهند. معلمان اسپرانتو می‌توانند معلمانی با مدرک تحصیلی معتبر باشند که امتحان صلاحیت تدریس زبان اسپرانتو را گذرانده‌اند.

به جای نتیجه‌گیری

جایگزینی تدریجی، دموکراتیک و بی‌درد زبان ارتباطات بین‌المللی چه می‌تواند به ارمغان بیاورد؟ اول از همه، انتشار منابع عظیمی که اکنون املای پیچیده و سایر پیچیدگی‌های یک زبان خارجی را به هم متصل می‌کند. در بخش «زبان‌های خارجی چقدر هزینه دارد؟» ما اشاره کردیم که حدود یک سال در مدرسه صرف یک زبان خارجی می‌شود و اسپرانتو به ما اجازه می‌دهد زمان مطالعه را به یک سوم کاهش دهیم. این بدان معناست که دو سوم سال را می‌توان صرف موضوعات مفیدتر مطالعه کرد. یا با کم کردن مقداری از برنامه درسی مدرسه به هزینه سایر دروس، یک سال کامل مدرسه را ذخیره کنید. در واقع یک سال کامل به زندگی همه اضافه کنید، علاوه بر قطع مبالغ نجومی.

در کتاب‌های اسپرانتو برای مدارس، نویسنده ۲۰۴ ساعت از سن ۱۰ تا ۱۷ سالگی را در نظر گرفته است. مقایسه سطح دانش دانش‌آموزان با زبان‌های خارجی سنتی که حدود ۱۵۰۰ ساعت زمان می‌برد (حتی بیشتر با مطالعه عمیق) جالب خواهد بود. با توجه به تجربه آموزش اسپرانتو، سطح مهارت تقریباً یکسان خواهد بود. این تجلی عینی اقتصاد در آموزش اسپرانتو است. وضعیت فعلی کتاب درسی را می‌توان به صورت رایگان در آرشیو ZIP در <https://yadi.sk/d/dwkZp۱۸U۳SicnC> دانلود کرد.

علاوه بر این، یک زبان بی‌طرف ارتباط بین‌المللی، که به هیچ کشوری مزیت زبانی نمی‌دهد، به برقراری نظم جهانی عادلانه‌تر کمک می‌کند و تحمیل ارزش‌های برخی از مردم را بر دیگران حذف می‌کند. کشورهای پیشرو در ترویج اسپرانتو برای مدت طولانی همان امتیازاتی را خواهند داشت که اکنون کشورهای انگلیسی زبان دارند. این استدلال خوبی برای متقاعد کردن سایر کشورها به حمایت از اسپرانتو است.

صلح جهانی به جهان خواهد رسید که روسای جمهور روسیه و چین به زبان اسپرانتو به یکدیگر سلام کنند. باور نمی‌کنید؟ بیایید تلاش کنیم! مطمئناً دنیا بدتر نخواهد شد. در هر چیز جدید و عالی پنج مرحله اصلی وجود دارد:

سر و صدا، هرج و مرج، جست‌وجوی مقصران، مجازات بی‌گناهان، اعطای جایزه به اشخاص غیر مرتبط

مراجع:

1. Flochon, Bruno, 2000, « L'espéranto », in Gauthier, Guy (ed.) Langues: une guerre à mort, Panoramiques. 4e trim. 48: 89-95.

2. http://e-journal.spa.msu.ru/vestnik/item/53_2015pugachev.htm

3. http://www.internacilingvo.org/public/126_plena.htm

"اسپرانتو به عنوان یک زبان کمکی و یک راه حل ممکن برای معضل زبان در کشورهای بریکس: یک مطالعه موردی"



بیلونگو الیسی ایشلوک - دانشگاه فنی دوربان (DUT) - شهر دوربان، آفریقای جنوبی
ایمیل: ebyelongo@gmail.com

چکیده

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که بیش از ۶۰۰۰ زبان در جهان وجود دارد و کشورها معتقدند که منافع ملی آن‌ها باید در اولویت باشد و در این مورد، زبان(های) ملی باید اولویت داشته باشند. با این حال، استفاده از زبانی مشترک که همه‌ی مردم بتوانند برای تجارت (اقتصاد) و روابط اجتماعی-فرهنگی بفهمند ضروری شده است. این موضوع مشکلاتی از جمله این واقعیت را ایجاد کرد که زبان استعمارگران به ضرر زبان بومی آن‌ها که به عنوان یک گویش نامیده می‌شد، حفظ شد. با ظهور دموکراسی و بهبود روابط دوجانبه و چندجانبه بین‌المللی، حقوق زبانی به عنوان بخشی از حقوق بشر شناخته شد و به دنبال آن، رویکردی برد-برد به طور منطقی چیزی بود که کشورها در همکاری‌های بین‌المللی انتظار داشتند. امروزه واقعیت این است که انگلیسی به عنوان زبان مشترک در تجارت و همکاری‌ها عمل می‌کند اما این تا حدی به حقوق دموکراتیک و زبانی مردم ظلم می‌کند. این مطالعه عمدتاً کیفی است هرچند از یک نظرسنجی نیز برای تعادل نتایج استفاده شده است. انجام پژوهش‌های بیشتر در آینده به ویژه در موضوعات مشابه در هر کشور دیگر عضو بریکس توصیه می‌شود.



مقاله‌ای که در بالا معرفی شده است، تنها یکی از انبوه مقالاتی است که درباره پژوهش‌های انجام شده به منظور بررسی فواید استفاده از زبان بین‌المللی اسپرانتو به عنوان ابزار ارتباطات بین مردم کشورهای جهان منتشر شده است. متن کامل این مقاله‌ی ۱۲ صفحه‌ای که توسط انتشارات دانشگاه ویلنیوس در لیتوانی در نشریه Respectus Philologicus ارائه شده است را می‌توانید از آدرس زیر مطالعه نمایید:

<https://www.journals.vu.lt/respectus-philologicus/article/view/14638>

مقاله نشریه گاردین در تاریخ ۲۷ دسامبر ۲۰۲۳

نویسنده: میشل گازولا (Michele Gazzola) مدرس سیاست عمومی و مدیریت در دانشگاه اولستر، بلفاست، و سردبیر مجله مشکلات زبان و برنامه ریزی زبان (LPLP)



انگلیسی همچنان زبان سلطه‌گری در جهان است، اما این لزوماً خوب نیست. آیا زمان آن رسیده که قدرت آن را محدود کنیم؟



برای گویشوران مسلط زبان انگلیسی، مزایای واضحی وجود دارد - برای دیگران، هزینه‌های هنگفتی وجود دارد. در اینجا چند راه برای تقویت عدالت زبانی آورده شده است

نیوزلند، بریتانیا و ایالات متحده) متمرکز هستند که مجموعاً ۳۳٪ از درآمد ناخالص جهان را تولید می‌کنند. در نتیجه میراث استعماری، انگلیسی در بسیاری از کشورهای جهان، عمدتاً در آفریقا، یک زبان رسمی یا مشترک رسمی است.

بنابراین ارزش ارتباطی زبان انگلیسی و علاقه به یادگیری آن نیز بالاست. بسیاری از مردم از انگلیسی به عنوان زبان دوم یا خارجی استفاده می‌کنند. تخمین‌های دقیق نمی‌توان آورد، اما در مجموع، افراد گویشور بومی و غیربومی انگلیسی‌زبان در جهان بسته به تعریف «گویشور» بین ۱ تا ۱,۵ میلیارد نفر هستند. این ۱۲ تا ۱۹ درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد. با این حال، سطح مهارت بسیار متفاوت است.

ظهور زبان انگلیسی به عنوان زبان بین‌المللی غالب (هر چند نه

هر کس که تعطیلات کریسمس خود را در سرزمین اصلی اروپا سپری می‌کند احتمالاً مشاهده کرده است که ملاقات با کارکنان در مغازه‌ها و هتل‌ها که می‌توانند به زبان انگلیسی مکالمه کنند و علائم و منوها را به این زبان بخوانند بسیار معمول است. این واقعیت نباید تعجب‌آور باشد و تصادفی نیست: گسترش مهارت‌های انگلیسی در اروپا عمدتاً نتیجه سیاست‌های آموزشی است که در دهه‌های گذشته به شدت تدریس آن را در مدارس دولتی ترویج داده است.

دلایل این امر متنوع و شناخته شده است: انگلیسی زبانی با فرهنگ غنی؛ و پس از چینی و اسپانیایی، سومین زبان پرمکالم در جهان به عنوان زبان مادری است. انگلیسی‌زبانان بومی حدود ۳۷۳ میلیون نفر (تقریباً ۵٪ از جمعیت جهان) هستند که عمدتاً در شش دموکراسی صنعتی پیشرفته (استرالیا، کانادا، ایرلند،

انحصاری) توسط بسیاری به عنوان یک پدیده مثبت با چندین مزیت عملی و بدون جنبه منفی تلقی می‌شود. با این حال، مشکلاتی را نیز ایجاد می‌کند که به تدریج آشکار شده و مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

مهمترین چالش، انصاف یا «عدالت زبانی» است. یک زبان مشترک کمی شبیه یک شبکه تلفن است: هر چه مردم بیشتری یک زبان را بدانند، برای برقراری ارتباط مفیدتر می‌شود. مسئله‌ی عدالت زبانی به این دلیل مطرح می‌شود که افراد مختلف برای دسترسی به شبکه با هزینه‌های بسیار متفاوتی روبرو هستند و در هنگام استفاده از آن در موقعیت نابرابر قرار می‌گیرند. کسانی که انگلیسی را به عنوان زبان دوم می‌آموزند متحمل هزینه‌های یادگیری می‌شوند، در حالی که افراد بومی می‌توانند بدون متحمل شدن چنین هزینه‌هایی با همه اعضای شبکه ارتباط برقرار کنند. این مانند دریافت جدیدترین مدل گوشی هوشمند و سیم کارت با داده نامحدود به صورت رایگان است.

فرانسوا گرین، از دانشگاه ژنو، تخمین می‌زند که کشورهای اروپای غربی بین ۵ تا ۱۵ درصد از بودجه آموزشی خود را صرف آموزش زبان‌های خارجی می‌کنند. در اتحادیه اروپا، بیشتر این منابع صرف آموزش یک زبان، یعنی انگلیسی می‌شود. به استثنای ایرلند، انگلیسی به عنوان یک زبان خارجی در مدارس همه کشورهای عضو اتحادیه اروپا معمولاً به عنوان یک درس اجباری تدریس می‌شود. بر اساس آمار منتشر شده توسط کمیسیون اروپا، حدود ۸۴ درصد از دانش‌آموزان در مدارس ابتدایی، ۹۸ درصد در آموزش متوسطه اول و ۸۸ درصد در دوره متوسطه دوم آن را یاد می‌گیرند. درصد مطالعه زبان‌های دیگر (معمولاً فرانسوی، آلمانی یا اسپانیایی) در آموزش متوسطه بسیار کمتر است و به طور متوسط بین ۲۰ تا ۳۰ درصد است.

در مقابل، در کشورهای انگلیسی‌زبان، آموزش زبان‌های خارجی مدت‌هاست که رو به افول بوده است، زیرا نسل‌های جوان نیاز کمتری به یادگیری زبان‌های دیگران دارند و در عوض به موضوعات دیگر روی می‌آورند. این روند منجر به صرفه‌جویی قابل توجهی برای سیستم‌های آموزشی کشورهای انگلیسی‌زبان می‌شود که بودجه‌ی آن می‌تواند به سایر سرمایه‌گذاری‌های عمومی مولد اختصاص یابد.

نوع دوم نابرابری مربوط به استفاده از یک زبان مشترک است. در بیشتر زمینه‌های حرفه‌ای، فرد هنگام استفاده از زبان مادری خود مؤثرتر و متقاعدکننده‌تر می‌تواند صحبت کند و بنویسد. تعیین این نابرابری دشوار است، اما غیرممکن نیست. در تحقیقات علمی، زبان انگلیسی اغلب برای انتشار در مجلات بین‌المللی و کسب بودجه تحقیقاتی مورد نیاز است.

تیمی به رهبری تانسویا آمانو در دانشگاه کوئینزلند اخیراً مطالعه‌ای را بر روی ۹۰۰ محقق در علوم محیطی منتشر کرده

است که نشان می‌دهد محققان غیرانگلیسی‌زبان برای خواندن، نوشتن یا بررسی مقالات به زبان انگلیسی، نسبت به زبان مادری، دو برابر بیشتر به زمان نیاز دارند. هنگام ارسال مقالات برای انتشار، افراد غیرانگلیسی‌زبان تقریباً ۲،۵ برابر بیشتر احتمال دارد که آثارشان به دلایل زبانی رد شود - و احتمال اینکه آنها مجبور به اصلاحات مرتبط با زبان شوند ۱۲،۵ برابر بیشتر از کسانی است که زبان مادری‌شان انگلیسی است. بنابراین، حتی با صلاحیت فنی برابر یا بیشتر، ممکن است فرصت‌های شغلی کمتری داشته باشند.

مطمئناً شناسایی یک مشکل آسان‌تر از یافتن راه‌حل است، به ویژه وقتی صحبت از مسائل جهانی باشد. با این حال، برخی اقدامات جبرانی ممکن است به کاهش بی‌عدالتی زبانی جهانی کمک کند. فیلیپ ون پارچ، از دانشگاه لوون، تا حدودی تحریک‌آمیز، مالیات زبانی را بر کشورهای انگلیسی‌زبان پیشنهاد کرده است تا هزینه‌های آموزش زبان انگلیسی در کشورهای دیگر را جبران کند. این امر مستلزم ایجاد مالیات جهانی بر کشورهایی است که اکثریت جمعیت آنها انگلیسی را به عنوان زبان مادری صحبت می‌کنند و درآمد حاصل از آن را به کشورهایی که در آن زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی در مدارس تدریس می‌شود، توزیع کنند.

با این حال، اشکال دیگری از جبران خسارت غیرمستقیم را می‌توان در نظر گرفت. به عنوان مثال، تضعیف جزئی حقوق مالکیت صنعتی، مانند اختراعات. حداکثر مدت حمایت قانونی از اختراعات ۲۰ سال است. این مدت زمانی که کسب و کارهای مستقر در یک کشور انگلیسی‌زبان در یک کشور غیرانگلیسی‌زبان ثبت اختراع می‌کنند، می‌تواند چند سال کوتاه شود. این بدان معناست که این حقوق مالکیتی می‌توانند بدون مجوز سریع‌تر از اختراعات متعلق به مخترعان مستقر در کشورهای دیگر مورد بهره‌برداری تجاری قرار گیرند. سازمان جهانی مالکیت فکری می‌تواند اصلاح قوانین را در این راستا ترویج کند.

پیشنهاد‌های دیگر شامل استفاده بیشتر از ترجمه ماشینی و هوش مصنوعی در نشریات علمی است که هزینه آن بر عهده ناشر است. معیارهایی برای پاداش دادن به پژوهشگران چندزبانه در برنامه‌های کاربردی برای تأمین مالی پروژه‌های بین‌المللی می‌تواند طراحی شود، مانند و به دنبال سیاست‌های ترویج برابری جنسیتی در دانشگاه.

البته مشکل عدالت زبانی به زبان انگلیسی محدود نمی‌شود. اگر زبان غالب ارتباطات جهانی، زبان دیگری مانند اسپانیایی یا فرانسوی (اما نه زبانی بی‌طرف مانند اسپرانتو) باشد، دقیقاً همین مشکل پیش خواهد آمد. اما در حال حاضر، انگلیسی زبان غالب بین‌المللی است. برای بسیاری این یک موهبت است، اما آیا نباید به فکر کسانی هم باشیم که این امر برایشان مایه نگرانی است؟

منبع: <https://www.theguardian.com/commentisfree/2023/dec/27/english-world-power-language-linguistic-justice>

ترجمه: حمزه شفیعی

Deangligo same efika kiel dedolarigo

Renato Corsetti

La landoj de la grupo, nomata en kelkaj lingvoj BRICS, laboras por mondo multpolusa, alivorte por superi la nunan situacion de hegemoniaj potencoj, kiuj provas devigi la mondon sekvi ties interesojn milite, ekonomie, politike kaj en internaciaj organizaĵoj.

Prave oni provas nun liberigi sin de la ekonomia ĉantaĝo pro la uzado de la usona dolaro en internacia komerco kaj tiu agado estas popole konata kiel “dedolarigo”. Espereble ĝi progresos malrapide sed certe.

Sed estas alia elemento de la dominado de Usono, ankaŭ kiu meritas esti kontraŭbatalata. Temas pri la kultura dominado pere de la lingvo. Kiu neniam aŭdis televidan progamon tradukita el la angla aŭ neniam legis libron originale verkita en la angla, bonvolu levi la manon.

En la malproksima jaro 1492 Antonio de Nebrija, la unau eŭropa verkinto de gramatiko de unu el la modernaj lingvoj, la hispana, skribis en la antaŭparolo: “siempre la lengua fue compañera del imperio” [ĉiam lingvo estis kunulo de imperio] kaj tio validas ankoraŭ nun kaj la unupolusa mondo celata de Usono uzas la anglan en sia imperio.

Tio kompreneble havas grandegajn avantaĝojn por Usono, kaj la aliaj anglalingvaj landoj: kaj ekonomiajn [instruistoj, instrumaterialoj, ktp.] kaj kulturajn, ĉar tra la lingvo oni daŭre prezentas la valorojn de la propra socio, liberismo, senregula konkurenco, malatento de la bezonoj de la malfortuloj, pravigo de nejusta komerco kun aliaj landoj, ktp. Ni bone konas tion. Tra la lingvo oni provas asimili nin al la propra koncepto pri la mondo kaj pri la rilatoj inter homoj.

Sed ĉu ni vere volas, ke en mondo multcentra ekzistu tia kultura imperiismo? Se oni rezignus



pri la angla, tio estus bato kontraŭ la imperiisma propagando kaj liberigus ĉiujn kulturojn kaj ĉiujn lingvojn evolui libere kaj plene ĉe si, kaj la briksaj landoj konus sin mem iom pli bone. Estas facile imagi, ke la kursoj de la angla en la lenejoj de briksaj landoj transirus de la nun trudata angla kulturo al plureco de konoj pri la rusa, la ĉina, la barata, la arba, la persa, ktp.

Prezentiĝus la problemo pri komunika lingvo en la rilatoj inter la briksaj landoj. Kiam oni ne povus uzi la rektajn lingvojn de la partnero, la solvo pli natura, pli neŭtrala kaj pli kongrua kun la briksaj valoroj estas la uzo de la internacia lingvo Esperanto, siatempe blokita en la Ligo de Nacio fare de Francujo pro tiamaj (1920-aj jaroj) imperiismaj konsideroj, kaj nun en la praktikko blokita de la usona imperio.

Forlasi la anglan ne postulas kostojn sed kuntrenas ŝparojn kaj restarigas la egalan dignon de ĉiuj. Pensu kiam en la renkontiĝoj de la landaro BRICS, ĉiu rajtos paroli sian lingvon aŭ la neŭtralan Esperanton.

انگلیسی‌زدایی به اندازه‌ی دلارزدایی موثر است

رناتو کورستی (رئیس اسبق سازمان جهانی اسپرانتو، دارای روابط رسمی با سازمان ملل و یونسکو)



جهانی‌چندمرکزی که در حال پدیدارشدن است، هستیم؟ اگر زبان انگلیسی کنار گذاشته شود، این ضربه‌ی بزرگ به تبلیغات امپریالیستی خواهد بود، و همه‌ی فرهنگ‌ها و زبان‌ها را رها می‌کند تا آزادانه و کامل در کشور خود توسعه یابند، و کشورهای بریکس کمی بهتر هم‌دیگر را خواهند شناخت. به‌راحتی می‌توان تصور کرد که کلاس‌های آموزش زبان انگلیسی در مدارس کشورهای بریکس، از فرهنگ تحمیلی انگلیسی‌کنونی آزاد شوند و به سوی کثرت آموزش زبان‌های روسی، چینی، هندی، عربی، فارسی و غیره حرکت کنند.

در روابط بین کشورهای بریکس، مسئله زبان ارتباطی یک موضوع مهم خواهد بود. هنگامی که امکان استفاده مستقیم از زبان‌های یکدیگر وجود نداشته باشد، راه‌حلی که طبیعی‌تر، بی‌طرف‌تر و سازگارتر با ارزش‌های کشورهای بریکس باشد، استفاده‌ی مشترک از زبان بین‌المللی اسپرانتو است، زبانی که زمانی در جامعه‌ی ملل (شکل اولیه‌ی سازمان ملل) توسط فرانسه به دلیل ملاحظات امپریالیستی آن زمان (یعنی دهه‌ی ۱۹۲۰) تحریم شد و اکنون نیز در عمل، توسط امپراتوری آمریکا تحریم گشته است و ترک کردن زبان انگلیسی، یا انگلیسی‌زدایی، نه‌تنها مستلزم هزینه‌ای نیست، بلکه سبب صرفه‌جویی بسیاری هم خواهد شد، و در عین حال، شأن و حیثیت برابر را به همه‌ی ملل و زبان‌های دنیا باز می‌گرداند. به زمانی فکر کنید که در جلسات کشورهای بریکس، همه اجازه خواهند داشت به زبان خود، یا به زبان بی‌طرف اسپرانتو، صحبت کنند.

گروه کشورهایهایی که در برخی زبان‌ها بریکس (BRICS) نامیده می‌شود، برای ایجاد جهانی چندقطبی تلاش می‌کنند، به عبارت دیگر، برای غلبه بر وضعیت کنونی قدرت‌های سلطه‌گر که سعی می‌کنند جهان را وادار کنند تا از منافع نظامی، اقتصادی، و سیاسی ایشان و سازمان‌های بین‌المللی مورد نظر آنها پیروی کنند.

در حال حاضر، مردم بسیاری از کشورهای جهان - به درستی - سعی در رها ساختن خود از باج‌خواهی عظیم اقتصادی آمریکا دارند، که به دلیل استفاده از دلار آمریکا در تجارت بین‌الملل اعمال می‌شود؛ این فعالیت در بین این مردم به «دلارزدایی» معروف شده است. امید است، که این امر به آرامی اما به طور مستمر و قطعی پیش رود.

اما عنصر دیگری هم از سلطه‌ی ایالات متحده‌ی آمریکا وجود دارد، که مخالفت کردن با آن نیز، شایسته و مفید است. منظور، سلطه‌ی فرهنگی آمریکا است، که از طریق زبان انگلیسی اعمال می‌شود. اگر کسی هست که تا به حال برنامه‌های تلویزیونی که از زبان انگلیسی ترجمه شده باشد را ندیده، یا کتابی که در اصل به زبان انگلیسی نوشته شده باشد را نخوانده، لطفاً دست خود را بلند کند.

در سال‌های بسیار قبل، یعنی در سال ۱۴۹۲ میلادی، آنتونیو دِ نبريجا (Antonio de Nebrija)، اولین نویسنده‌ی اروپایی دستور زبان یکی از زبان‌های مدرن، یعنی اسپانیایی، در پیش‌گفتار کتاب خود نوشت "siempre la lengua fue compañera del imperio" (زبان، همیشه یاور امپراتوری بوده است) و این حرف او حتی در حال حاضر نیز معتبر است چراکه الان نیز ما به‌وضوح شاهدیم، که جهان تک‌قطبی مورد نظر ایالات متحده، از زبان انگلیسی در امپراتوری خود استفاده می‌کند.

این امر البته برای ایالات متحده و سایر کشورهای انگلیسی‌زبان، مزایای بسیار زیادی در بر دارد: هم از نظر اقتصادی (معلمان، مواد آموزشی، و غیره) و هم از نظر فرهنگی، زیرا از طریق زبان خودشان، ارزش‌های جامعه خود، آزادی‌گرایی، رقابت بدون قاعده و قانون، بی‌توجهی مستمر به نیازهای ضعیفان، توجیه تجارت ناعادلانه با سایر کشورها، و غیره را به دیگران تحمیل می‌کنند. همه‌ی ما به خوبی از این امر آگاهی داریم. آنها از طریق ترویج زبان‌شان سعی می‌کنند ما را به سوی مفهوم و برداشت خودشان از جهان و روابط بین مردم، جذب کنند.

اما آیا ما واقعاً خواهان وجود چنین امپریالیسم فرهنگی در



Dek kvin trajtoj de la postĝinta internacia sistemo

Abdul Naser Noorzad (Iama profesoro de Kabul Universitato)



Parolado pri kvalita kaj kvanta transformo en la klarigo kaj uzo de potenco fariĝis signifa diskurso en la nuna turbula internacia sistemo, precipe en akademias kaj intelektaj komunumoj. Dume, post la altiĝo de la ekonomia potenco de Ĉinio, la movoj kaj ambicioj kaj klopodoj de Rusio formi BRICS-on kaj Ŝanhajan traktaton kiel stimulajn reagojn al amerika hegemonio, kiu antaŭvidas la translokigon de potenco kaj riĉaĝo de Eŭropo kaj Ameriko al Azio, la teorio de transiro de potenco ne donis konvinkan respondo al ĉi tiu transformo kaj kiel ĝi okazis. Alivorte, laŭ la historia tradicio de tiu ĉi teorio, la ŝanĝo de la pozicio de la mondpotenco ĉiam estis ebla per milito kaj konflikto kaj posta malvenko kaj venko de la partioj. Sed en la nuna krizo, ekonomia interdependeco, manko de ideologiaj aliancoj kaj identeco kaj lingva polusiĝo laŭ civilizaciaj faŭltoj, ne estas klara respondo. Por ekzameni ĉi tiun aferon, estas listigitaj dek kvin karakterizaĵoj de la post-transira sistemo, kiujn mi diskutos ĉi-sube:

1. La ĉefa evoluo en formado de la pensado de la nuna periodo kaj antaŭdiro de la estonteco videblas de la transira periodo, kiu estas asociita kun la

ĉefa karakterizaĵo de Anarkiismo. La nuna transira periodo, kvankam ĝi ne povas klarigi kial kaj kiel okazis tiu historia evoluo, sed en si mem, ĝi estos la fundamento de historia evoluo en la posttransira periodo. Do anarkiismo estos elstara aspekto de ĉi tiu periodo;

La allogeco de lingva kaj kultura hegemonio, la provo universaligi ĝin kaj la grandega financa elspezo pri ĉi tiu afero estos tre gravaj por la registaroj. Eĉ registaroj komencos senfinajn militojn por konservi sian lingvan kaj kulturan hegemonion.

2. La posttransira periodo estos la rezulto de epoko de rompado de tabuoj bazita sur la kolapso de tutmondaj potencostrukturoj kaj ĝia distribuo, kiu ne havas historian fonon almenaŭ en la lasta jarcento. La formado de polarigoj, la neatenditaj reagoj de registaraj agantoj kontraŭ tutmondaj kaj regionaj hegemonioj, estas

ekzemploj de tiu ĉi tabuo-rompiĝo;

3. La post-transira epoko estas epoko sen ŝtata ideologio kaj konkuro por tutmonda geografio. Male al la ideologioj de faŝismo, komunismo kaj liberalismo, kiuj konkuris unu kun la aliaj en internaciaj konfliktoj, al la progresema epoko, ordo, mankas tia vidpunkto kaj povas apartigi novan ekzemplon de aliro de konfliktantaj potencoj en la monda areno. menciis el la perspektivo de specifa ideologio;

4. Sekve de la manko de ideologia epoko, mankas klara bildo de la vizaĝo de la post-transira epoko. Tiamaniere, bildigi la vizaĝon, bildon kaj stilon de

ĉi tiu epoko estas malfacila kaj tempopostula tasko. Tial, la nova epoko estas postpolusa epoko, ne unupolusa, dupolusa aŭ multpolusa;

5. Dekstremaj, rasismaj kaj, se neverŝajne, internaciistaj ideologioj bazitaj sur regiona kaj internacia konverĝo estas uzataj nur kiel ŝildo en internaciaj kaj interŝtataj konfliktoj, sed ne povas anstataŭigi ideologian konkurencon, respondiĝeblon. Dum ekstrema naciismo ankoraŭ povas esti ĉe la avangardo de la tagordo de registaroj, ŝtata aŭtoritatismo ankoraŭ uzos ĉion ĉi por plifortigi siajn fundamentojn;

6. En la transira periodo, la tempo por aliancoj finiĝis kaj ne plu efikas. Anstataŭe, la povoj en konflikto en la internacia areno, pro la manko de strategiaj aliancaj vizioj, uzos provizorajn koaliciajn komponantojn kaj ilojn en krizaj tempoj;

7. Ekonomia interdependeco, produktadlimoj kaj la bezono de krudmaterialoj, nukleaj malkuraĝaj iloj kaj internaciaj traktatoj kaj interkonsentoj ne plu povas malhelpi militon kaj konflikton en la internacia areno. Ĉar la mondo neintence moviĝas al la manko de bazaj materialoj kaj rimedoj samtempe, kaj la bezono de tiuj bazaj materialoj fariĝas ĝenerala principo, pro ĉies timo pri ĉi tiu areo, ĝi forigos la zorgon pri ;

8. La nova epoko, aŭ transira epoko, estos epoko de konkurado pri malabundaj rimedoj, kune kun aliro al energio kaj akvo rimedoj. Sekve, energia sekureco kaj hidropolitiko restos elstara trajto de la konkurenco inter landoj kaj grandaj kaj mezaj potencoj;

9. Geografio kaj strategiaj lokoj sub la regado de geopolitikaj ludoj, pro la tutmonda bezono de subteraj kaj surteraj rimedoj, restos ĉe la supro de la prioritatoj de tutmondaj kaj mezklasaj ludantoj;

10. La rolo de registaroj en politikaj, ekonomiaj, sekurecaj kaj komercaj interagoj kaj dinamiko daŭre estos elstara. Ĉar la post-transira epoko estas la epoko de registara aŭtoritatismo, kaj neregistaraj agantoj neeviteble sekvos aŭtoritatajn registarajn politikojn. Samtempe pliiĝos la bezono de neŝtataj agantoj por registaroj. Sekve, demokratio kaj liberalaj valoroj ne havas sian nunan lokon en la postpolusa mondo;

11. En la post-transira epoko, ni atestos novan rakonton pri poluseco, identeco kaj kulturo en la formo de kultura faŝismo. En ĉi tiu kampo, la landoj de Rusio, Ĉinio, Irano, Barato... estas ekzemploj de la potencoj kiuj estos konkurantaj frakcioj en la klopodo de kultura kaj lingva hegemonio, kaj kio

estas interesa estas ke la kampo de tiuj konkursoj estas Azio;

12. La sekureca enigmo kaj la percepta pensmaniero de amika kaj malamika determino, kiu estas proksima al la struktura pensmaniero, daŭre influos la internacian spacon kaj la konduton de ŝtatoj. Kaj eĉ ĉi tiu afero kaj sinteno inter registaroj povas konduki al la formado de sekurecaj polusoj bazitaj sur devigoj kaj la ekzisto de eblaj kaj efektivaj sekurecaj minacoj;

13. La allogeco de lingva kaj kultura hegemonio, la provo universaligi ĝin kaj la grandega financa elspezo pri ĉi tiu afero estos tre gravaj por la registaroj. Eĉ registaroj komencos senfinajn militojn por konservi sian lingvan kaj kulturen hegemonion;

14. Dum la transira periodo, la grandaj kaj mezaj potencoj uzas la konfliktcentrojn kiel premon por gajni poentojn. Tiu ĉi konkurslogiko restos en la postpolusa periodo;

15. Sekurecsubjektoj daŭre servos ekonomiajn celojn. Dum la ekonomio kaj fontoj de financa enspezo estos la provizanto de ia ajn konkurenco, la principo de la ekonomia kaj sekureca ligo daŭre staros.



Kun ĉi tiu situacio, la situacio de la postpolusa mondo daŭre estos kaosa kaj konflikta situacio, kiun ni vidas en la nuna transira periodo. La postpolusa mondo esence estos nova speco de internacia ordo kiu, malgraŭ konservado de sia anarkia karaktero, ankaŭ havos streĉigajn proponojn kiel heredaĵon de la nuna transira periodo. La postpolusa mondo estas ankoraŭ konstruista mondo bazita sur sekurecaj pensmanieroj, ŝtataj ludantoj, kies sekureca mistero estos la kaŭzo de streĉiĝo.

Fonto: Irana diplomatio (<http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/2025187/%D9%BE%D8%A7%D9%86%D8%B2%D8%AF%D9%87-%D9%88%DB%8C%DA%98%DA%AF%DB%8C-%D9%86%D8%B8%D8%A7%D9%85-%D8%A8%DB%8C%D9%86-%D8%A7%D9%84%D9%85%D9%84%D9%84-%D9%BE%D8%B3%D8%A7%DA%AF%D8%B0%D8%A7%D8%B1>)

Esperanto, la komuna lingvo

en la internacia komunikado de BRICS-membrolandoj

Hamzeh Shafiee

La BRICS-landoj, inkluzive de Brazilo, Rusio, Barato, Ĉinio kaj Sudafriko, kiel kvin burĝonantaj kaj influaj tutmondaj ekonomioj, celas plifortigi internacian kunlaboron kaj pliigi komunikadon inter siaj membroj. La aldono de la landoj de Irano, Egiptio, Etiopio, Unuiĝintaj Arabaj Emirlandoj kaj Indonezio, kiuj lastatempe aliĝis al ĉi tiu grupo aŭ estas en procezo de aliĝo al ĝi, kondukos al la kresko de tiaj ligoj. Ĉi-rilate oni sentas pli ol iam la bezonon de komuna lingvo, kiu povas faciligi komunikadon. En ĉi tiu artikolo estos ekzamenita la propono uzi Esperanton kiel komunan lingvon en la internacia komunikado de la BRICS-membrolandoj. Esperanto, kiel strukturita, logika kaj facile uzebla lingvo destinita por faciligi internacian komunikadon, povas ludi gravan rolon en plibonigo de kunlaboro kaj malpliigo de kostoj.

1- Enkonduko de Esperanto kiel komunan lingvon

Historio kaj principoj de la lingvo Esperanto

Esperanto estis evoluigita fine de la 19-a jarcento de Ludoviko Zamenhof, pola kuracisto, kun la celo krei internacian kaj facile lerneblan lingvon. La fundamentoj de Esperanto inkluzivas simplan gramatikon, limigitan vortprovizon kaj fiksajn regulojn, kiuj faciligas lerni kaj uzi la lingvon por ĉiuj homoj el la tuta mondo.

Avantaĝoj de Esperanto

- Simpleco de lernado: Esperanto havas simplan gramatikon kaj fiksajn regulojn, kiuj faciligas la lernadon por ĉiuj, eĉ por tiuj, kiuj ne havas sperton pri lernado de aliaj lingvoj.
- Kultura neŭtraleco: Kiel artefarita lingvo, al Esperanto mankas kulturaj kaj politikaj emoj de certa lingvo aŭ gento, kio faras ĝin neŭtrala lingvo por internacia komunikado.
- Malaltigitaj kostoj: Uzado de Esperanto povas malpliigi kostojn rilatajn al tradukado kaj interpretado, ĉar pli da homoj povas facile lerni kaj uzi la lingvon pli rapide.

2- La avantaĝoj de uzado de Esperanto en BRICS

Faciligi internacian komunikadon

La uzo de Esperanto kiel komuna lingvo povas faciligi komunikadon inter BRICS-landoj. Ĉi tiu lingvo povas esti uzata en intertraktadoj, konferencoj kaj oficiala korespondado inter membroŝtatoj kaj redukti tradukerarojn.

Malpliigi tradukajn kaj interpretajn kostojn

Pro la simpleco kaj lernfacileco de Esperanto, BRICS-landoj povas signife redukti tradukajn kaj interpretajn kostojn instruante ĉi tiun lingvon al siaj diplomatoj kaj ŝtatoĉefoj.

Plifortigi solidarecon kaj kunlaboron

Uzado de komuna lingvo povas plifortigi solidarecon inter BRICS-membrolandoj kaj pliigi internacian kunlaboron. Kiel neŭtrala kaj simpla lingvo, Esperanto povas bone ludi tiun ĉi rolon.

3- Statistiko

En ĉi tiu sekcio, ni diskutas statistikajn analizojn kiuj montras la pozitivan efikon de uzado de Esperanto al reduktado de kostoj kaj pliigo de efikeco de internaciaj komunikadoj.

Kostoj de tradukado kaj interpretado en BRICS-membrolandoj

Unu el la plej gravaj statistikoj, kiujn ni povas kontroli, estas la nunaj kostoj de tradukado kaj interpretado en BRICS-membrolandoj. Ĉi tiu informo povas montri kiel uzi Esperanton povas redukti tiujn kostojn.

La preciza statistiko pri tradukokostoj de dokumentoj kaj renkontiĝoj inter BRICS-membrolandoj ne estas plene havebla, sed estas iuj ĝeneralaj informoj en ĉi tiu kampo:

Tradukokostoj en Ĉinio averaĝe estas inter 0,05 USD kaj 0,20 USD, en Barato inter 0,03 USD kaj 0,15 USD, en Rusio inter 0,07 USD kaj 0,25 USD, en Brazilo inter 0,06 USD kaj 0,22 USD, kaj en Sudafriko inter 0,08 USD kaj 0,20 USD po vorto. Interpretaj kotizoj ankaŭ varias laŭ la speco de renkontiĝo kaj la lingvo postulata.

Per tiu ĉi statistiko ni komprenas, ke la traduko de

unupaĝa dokumento, kiu kutime estas inter 150 kaj 250 vortoj kaj devas esti tradukita por BRICS-anoj, trudas koston inter 45 kaj 250 dolaroj al la membrolandoj. Nun konsideru, ke kun la aldono de la landoj de Irano, Etiopio, Egiptio, Indonezio kaj Unuiĝintaj Arabaj Emirlandoj, ĉi tiu kosto multobliĝos. Sufiĉas konsideri kiom da paĝoj da dokumentoj estas produktitaj en la BRICS-organizo en jaro por konstati la grandecon de la kostaj ciferoj por interpretado de dokumentoj de BRICS-anoj. Nun, se ni aldonas la koston de tradukado de vizaĝ-al-vizaĝaj kunvenoj kaj multnombraj kunvenoj de ĉi tiu organizo al tiuj ciferoj, la dimensioj de la tragedio fariĝos pli evidenta.

Ĉi tiuj statistikoj montras, ke tradukaj kaj interpretaj kostoj estas tre altaj en BRICS-landoj, precipe en Ĉinio kaj Barato. Uzado de Esperanto povas signife redukti tiujn kostojn.

La nombro da oficialaj lingvoj kaj la nivelo de lingva komplekseco en BRICS

Statistikoj pri la nombro da oficialaj lingvoj en ĉiu BRICS-membrolando kaj la nivelo de lingva komplekseco povas montri kiom utila povas esti la uzo de komuna lingvo.

Brazilo, Rusio kaj Ĉinio ĉiu havas unu oficialan lingvon, sed Barato havas 22 oficialajn lingvojn, inkluzive de la hinda kaj la angla kiel oficialaj lingvoj je la nacia nivelo kaj pliajn 20 ĉe la ŝtatnivelo. Ankaŭ Sud-Afriko havas 11 oficialajn lingvojn, kiuj inkluzivas la lingvojn afrikansa, la angla, la zulua, la kosa, la sotoa, la norda sotoa, la cvana, la svazia, la venda, la conga kaj la ndebela ĝis nun, ni traktas 36 oficialajn lingvojn, kiuj kun la aldono de membroj daŭre pliiĝos.

Kompari la kostojn de instruado de Esperanto kun aliaj lingvoj

Statistikoj komparantaj la koston de instruado de Esperanto kun aliaj lingvoj povas montri kiom facila kaj malmultekosta Esperanto estas lernigebla.

Lernotempo: Esperanto bezonas averaĝe 150 horojn por lerni, dum lingvoj kiel la angla, franca aŭ germana postulas proksimume 600, 750 kaj 900 horojn, respektive. Ĉi tiu redukto de lernotempo ankaŭ signifas redukton de trejnadokostoj.

Senpagaj Rimedoj: Multaj Esperanto-lernigaĵoj estas senpage haveblaj. Ekzemple, Duolingo kaj Lernu.net proponas senpagajn kursojn de Esperanto. Kostoj de vizaĝ-al-vizaĝaj kaj retaj klasoj: Esperanto-klasoj estas kutime pli malmultekostaj ol aliaj lingvoklasoj. Ekzemple, reta Esperanto-kurso povas kosti ĉirkaŭ \$50, dum similaj kursoj por aliaj

lingvoj povas kosti ĝis \$200 aŭ pli.

Libroj kaj edukaj rimedoj: ankaŭ Esperanto-libroj kaj edukaj rimedoj estas kutime pli malmultekostaj ol aliaj lingvoj. Ekzemple, lernolibro de Esperanto povus kosti ĉirkaŭ \$10, dum lernolibroj por aliaj lingvoj povas kosti ĝis \$30 aŭ pli.

Tutmonda akcepto de Esperanto

Statistiko pri la nombro da homoj tra la mondo, kiuj lernis Esperanton kaj ĝian uzadon en internaciaj medioj, povas helpi subteni la proponon uzi ĉi tiun lingvon. Kompreneble, detalaj statistikoj ĉi-rilate ne povas esti disponigitaj, sed la jenaj proksimumaj ciferoj povas helpi doni relativan komprenon pri la nivelo de akcepto de Esperanto je la tutmonda nivelo:

Statistikoj montras, ke ĉiujare pligrandiĝas la nombro de lernantoj de Esperanto tra la mondo kaj kreskas ĝia uzo en internaciaj medioj.

1950-aj jaroj: Post la dua mondmilito la nombro de Esperanto-lernantoj signife pliiĝis. Dum ĉi tiu periodo, oni taksas, ke ĉirkaŭ 100 mil homoj okupiĝis pri lernado de ĉi tiu lingvo.

1980-aj jaroj: Danke al la subteno de Unesko kaj la klopodoj de la Universala Esperanto-Asocio, la nombro de lernantoj atingis ĉirkaŭ 2 milionojn da homoj.

2000-aj jaroj: Kun la disvastiĝo de Interreto kaj pli facila aliro al edukaj rimedoj, la nombro de Esperanto-lernantoj estas taksita je 2 milionoj.

2015: Kun la lanĉo de la senpaga Esperanto-kurso pri Duolingo, pli ol miliono da homoj eklernas la lingvon.

2016: Oni taksas, ke estas pli ol 2 milionoj da parolantoj de Esperanto kiel dua lingvo.

2018: Esperanto-lernantoj ĉe Duolingo atingas pli ol 1,2 milionojn.

Tiuj ĉi statistikoj montras, ke la intereso pri lerni Esperanton ŝanĝiĝis laŭlonge de la tempo, kaj la nombro de lernantoj daŭre pligrandiĝas pro aliro al retaj edukaj rimedoj.

4- Konkludo

Rezulte, la propono uzi la lingvon Esperanto en la internacia komunikado de BRICS-membrolandoj povas havi multajn pozitivajn efikojn. De la simpleco de lernado kaj la redukto de tradukaj kaj interpretaj kostoj ĝis la plifortigo de solidareco kaj internacia kunlaboro, Esperanto povas ludi gravan rolon por plibonigi komunikadon inter tiuj landoj. Tial oni sugestas, ke la BRICS-membrolandoj

اسپرانتو، زبان مشترک در ارتباطات بین‌المللی کشورهای عضو بریکس

حمزه شفیعی

E



کشورهای بریکس (BRICS)، شامل برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی، به عنوان پنج اقتصاد نوظهور و تأثیرگذار جهانی، به دنبال تقویت همکاری‌های بین‌المللی و افزایش ارتباطات بین اعضای خود هستند. اضافه شدن کشورهای ایران، مصر، اتیوپی، امارات عربی متحده و اندونزی، که اخیراً به جرگه این گروه پیوسته‌اند و یا در حال الحاق به آن هستند، موجب رشد چنین ارتباطاتی خواهد شد. در این راستا، نیاز به یک زبان مشترک که بتواند ارتباطات را تسهیل کند، بیش از پیش احساس می‌شود. در این مقاله، پیشنهاد استفاده از زبان اسپرانتو به عنوان زبان مشترک در ارتباطات بین‌المللی کشورهای عضو بریکس بررسی خواهد شد. اسپرانتو، به عنوان یک زبان ساختاریافته، منطقی و آسان که با هدف تسهیل ارتباطات بین‌المللی طراحی شده است، می‌تواند نقش مهمی در بهبود همکاری‌ها و کاهش هزینه‌ها ایفا کند.

مزایای اسپرانتو

۱. سادگی یادگیری: اسپرانتو دارای دستور زبان ساده و قواعد ثابت است که یادگیری آن را برای همه افراد، حتی کسانی که تجربه‌ای در یادگیری زبان‌های دیگر ندارند، آسان می‌کند.

۲. بی‌طرفی فرهنگی: اسپرانتو به عنوان یک زبان مصنوعی، فاقد وابستگی‌های فرهنگی و سیاسی است که آن را به یک زبان بی‌طرف برای ارتباطات بین‌المللی تبدیل می‌کند.

بخش اول: معرفی اسپرانتو به عنوان زبان مشترک

تاریخچه و اصول زبان اسپرانتو

زبان اسپرانتو در اواخر قرن نوزدهم توسط لودویک زامنهوف، پزشک لهستانی، با هدف ایجاد یک زبان بین‌المللی و آسان برای یادگیری طراحی شد. اصول اولیه اسپرانتو شامل سادگی دستور زبان، واژگان محدود و قواعد ثابت است که یادگیری و استفاده از آن را برای افراد مختلف از سراسر جهان آسان می‌سازد.

۳. کاهش هزینه‌ها: استفاده از اسپرانتو می‌تواند هزینه‌های مربوط به ترجمه و تفسیر را کاهش دهد، زیرا افراد بیشتری می‌توانند این زبان را به راحتی یاد بگیرند و به کار بگیرند.

بخش دوم: مزایای استفاده از اسپرانتو در بریکس

تسهیل ارتباطات بین‌المللی

استفاده از اسپرانتو به عنوان زبان مشترک می‌تواند ارتباطات بین کشورهای عضو بریکس را تسهیل کند. این زبان می‌تواند در مذاکرات، کنفرانس‌ها و مکاتبات رسمی بین کشورهای عضو به کار گرفته شود و اشتباهات ناشی از ترجمه را کاهش دهد.

کاهش هزینه‌های ترجمه و تفسیر

با توجه به سادگی و یادگیری آسان اسپرانتو، کشورهای عضو بریکس می‌توانند با آموزش این زبان به دیپلمات‌ها و کارمندان دولتی خود، هزینه‌های مربوط به ترجمه و تفسیر را به طور قابل توجهی کاهش دهند.

تقویت همبستگی و همکاری

استفاده از یک زبان مشترک می‌تواند همبستگی بین کشورهای عضو بریکس را تقویت کرده و همکاری‌های بین‌المللی را افزایش دهد. اسپرانتو به عنوان یک زبان بی‌طرف و ساده می‌تواند این نقش را به خوبی ایفا کند.

بخش سوم: آمار و نمودارها

در این بخش، به تحلیل‌های آماری و نمودارهایی می‌پردازیم که نشان‌دهنده تأثیر مثبت استفاده از اسپرانتو بر کاهش هزینه‌ها و افزایش کارایی ارتباطات بین‌المللی است.

هزینه‌های ترجمه و تفسیر در کشورهای عضو بریکس

یکی از مهم‌ترین آمارهایی که می‌توانیم بررسی کنیم، هزینه‌های فعلی ترجمه و تفسیر در کشورهای عضو بریکس است. این اطلاعات می‌تواند نشان دهد که چگونه استفاده از اسپرانتو می‌تواند این هزینه‌ها را کاهش دهد.

آمار دقیق هزینه‌های ترجمه اسناد و جلسات بین کشورهای عضو بریکس به طور کامل در دسترس نیست، اما برخی اطلاعات کلی در این زمینه وجود دارد:

هزینه‌های ترجمه در چین به طور متوسط بین ۰,۰۵ تا ۰,۲۰ دلار، در هند بین ۰,۰۳ تا ۰,۱۵ دلار، در روسیه بین ۰,۰۷ تا ۰,۲۵ دلار، در برزیل بین ۰,۰۶ تا ۰,۲۲ دلار، و در آفریقای جنوبی بین ۰,۰۸ تا ۰,۲۰ دلار آمریکا به ازای هر کلمه است. هزینه‌های تفسیر نیز بسته به نوع جلسه و زبان مورد نیاز متفاوت است.

با این آمار متوجه می‌شویم که ترجمه یک سند یک صفحه‌ای که معمولاً بین ۱۵۰ تا ۲۵۰ کلمه است و می‌بایستی برای اعضای بریکس ترجمه شود هزینه‌ای بین ۴۵ دلار تا ۲۵۰ دلار را به کشورهای عضو تحمیل می‌کند. حال در نظر بگیرید که با اضافه شدن کشورهای ایران، ایتالیایی، مصر، اندونزی و امارات متحده عربی این هزینه چندین برابر خواهد شد. کافی است در نظر بگیریم که در طول یکسال چند صفحه سند در سازمان بریکس تولید می‌شود تا به عظمت ارقام هزینه ترجمه اسناد توسط اعضای بریکس پی ببریم. حال چنانچه هزینه ترجمه جلسات حضوری و نشست‌های متعدد این سازمان را نیز به این ارقام بیفزاییم ابعاد مصیبت آشکارتر خواهد شد.

این آمار نشان می‌دهد که هزینه‌های ترجمه و تفسیر در کشورهای عضو بریکس بسیار زیاد است، به ویژه در چین و هند. استفاده از اسپرانتو می‌تواند این هزینه‌ها را به طور قابل توجهی کاهش دهد.

تعداد زبان‌های رسمی و میزان پیچیدگی‌های زبانی در بریکس

آمار مربوط به تعداد زبان‌های رسمی در هر کشور عضو بریکس و میزان پیچیدگی‌های زبانی می‌تواند نشان دهد که چقدر استفاده از یک زبان مشترک می‌تواند مفید باشد.

برزیل، روسیه و چین هر کدام یک زبان رسمی دارند، اما هند ۲۲ زبان رسمی دارد که شامل هندی و انگلیسی به عنوان زبان‌های رسمی در سطح ملی و ۲۰ زبان دیگر در سطح ایالتی است. همچنین آفریقای جنوبی ۱۱ زبان رسمی دارد که شامل آفریکانس، انگلیسی، زولو، خوسا، سوتو، سوتوی شمالی، تسوانا، سوازی، وندا، تسونگا و ندبله است. بنابراین تا اینجا با ۳۶ زبان رسمی سروکار داریم که با اضافه شدن کشورهای عضو، این تعداد همچنان بیشتر خواهد شد.

مقایسه هزینه‌های آموزش زبان اسپرانتو با زبان‌های دیگر

آمارهایی که هزینه‌های آموزش زبان اسپرانتو را با زبان‌های دیگر مقایسه می‌کنند، می‌تواند نشان دهند که چقدر اسپرانتو یادگیری آسان و مقرون به صرفه‌ای دارد.

زمان یادگیری: یادگیری اسپرانتو به طور متوسط ۱۵۰ ساعت زمان می‌برد، در حالی که یادگیری زبان‌هایی مانند انگلیسی، فرانسوی یا آلمانی به ترتیب حدود ۶۰۰، ۷۵۰ و ۹۰۰ ساعت زمان نیاز دارد. این

طور قابل توجهی افزایش یافت. در این دوره، تخمین زده می‌شود که حدود ۱۰۰ هزار نفر به یادگیری این زبان مشغول بودند.

دهه ۱۹۸۰: با توجه به حمایت یونسکو و تلاش‌های انجمن جهانی اسپرانتو، تعداد یادگیرندگان به حدود ۲ میلیون نفر رسید.

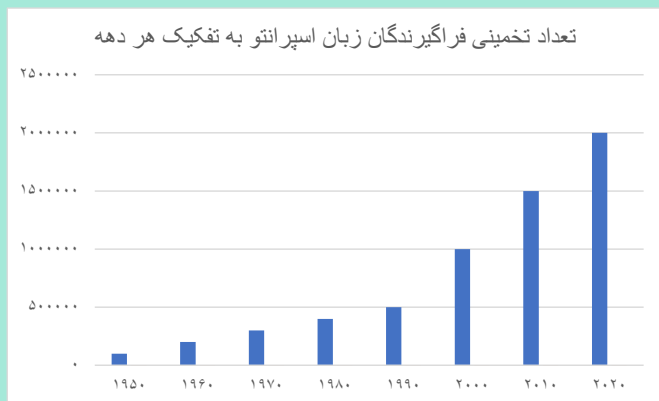
دهه ۲۰۰۰: با گسترش اینترنت و دسترسی آسان‌تر به منابع آموزشی، تعداد یادگیرندگان اسپرانتو تا ۲ میلیون نفر تخمین زده می‌شود.

سال ۲۰۱۵: با راه‌اندازی دوره رایگان اسپرانتو در Duolingo، بیش از یک میلیون نفر شروع به یادگیری این زبان کردند.

سال ۲۰۱۶: تخمین زده می‌شود که تعداد گویشوران زبان اسپرانتو به عنوان زبان دوم بیش از ۲ میلیون نفر باشد.

سال ۲۰۱۸: تعداد یادگیرندگان اسپرانتو در Duolingo به بیش از ۱.۲ میلیون نفر رسید.

این آمارها نشان می‌دهند که علاقه به یادگیری اسپرانتو در طول زمان تغییر کرده است و با توجه به دسترسی به منابع آموزشی آنلاین، تعداد یادگیرندگان همچنان در حال افزایش است.



نتیجه‌گیری

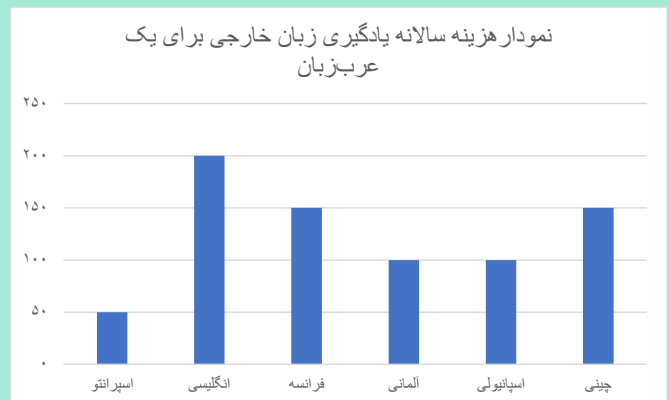
در نتیجه، پیشنهاد استفاده از زبان اسپرانتو در ارتباطات بین‌المللی کشورهای عضو بریکس می‌تواند تأثیرات مثبت زیادی داشته باشد. از سادگی یادگیری و کاهش هزینه‌های ترجمه و تفسیر گرفته تا تقویت همبستگی و همکاری بین‌المللی، اسپرانتو می‌تواند نقش مهمی در بهبود ارتباطات بین این کشورها ایفا کند. به همین دلیل، پیشنهاد می‌شود که کشورهای عضو بریکس به صورت جدی این موضوع را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهند.

کاهش زمان یادگیری به معنای کاهش هزینه‌های آموزشی نیز هست **منابع رایگان:** بسیاری از منابع آموزشی اسپرانتو به صورت رایگان در دسترس هستند. به عنوان مثال، Duolingo و Lernu دوره‌های رایگان اسپرانتو ارائه می‌دهند.

هزینه‌های کلاس‌های حضوری و آنلاین: کلاس‌های اسپرانتو معمولاً ارزان‌تر از کلاس‌های زبان‌های دیگر هستند. به عنوان مثال، هزینه یک دوره آنلاین اسپرانتو ممکن است حدود ۵۰ دلار باشد، در حالی که دوره‌های مشابه برای زبان‌های دیگر می‌تواند تا ۲۰۰ دلار یا بیشتر هزینه داشته باشند.

کتاب‌ها و منابع آموزشی: کتاب‌ها و منابع آموزشی اسپرانتو نیز معمولاً ارزان‌تر از زبان‌های دیگر هستند. به عنوان مثال، یک کتاب آموزشی اسپرانتو ممکن است حدود ۱۰ دلار هزینه داشته باشد، در حالی که کتاب‌های آموزشی زبان‌های دیگر می‌تواند تا ۳۰ دلار یا بیشتر هزینه داشته باشند.

نمودار زیر مقایسه هزینه‌های آموزش زبان اسپرانتو با زبان‌های دیگر را برای یک عرب‌زبان نشان می‌دهد. مشاهده می‌شود که اسپرانتو با هزینه آموزش بسیار کمتر، یک گزینه مناسب و اقتصادی برای یادگیری زبان بین‌المللی است.



میزان پذیرش اسپرانتو در سطح جهانی: آمارهای مربوط به تعداد افرادی که در سراسر جهان اسپرانتو یاد گرفته‌اند و میزان استفاده از آن در محیط‌های بین‌المللی می‌تواند به پشتیبانی از پیشنهاد استفاده از این زبان کمک کند. البته در این خصوص آمار دقیقی نمی‌توان ارائه داد اما ارقام تقریبی زیر می‌تواند به درک نسبی از میزان پذیرش اسپرانتو در سطح جهانی کمک کند:

آمار نشان می‌دهد همه ساله تعداد افرادی که در سراسر جهان اسپرانتو را یاد می‌گیرند در حال افزایش است و میزان استفاده از آن در محیط‌های بین‌المللی در حال رشد است.

دهه ۱۹۵۰: پس از جنگ جهانی دوم، تعداد یادگیرندگان اسپرانتو به

از دفترچه خاطرات یک اسپرانتودان

نوشته: کیهان صیادپور



- بابا! دیروز دیدم آقای منصوری همسایمون به یک زبان عجیب و غریب با موبایل صحبت می‌کرد.
- جان بابا! خب حتما انگلیسی صحبت می‌کرده.
- نه بابا! من یک سال هست انگلیسی می‌خوانم. اگر انگلیسی بود می‌فهمیدم.
- خب شاید آلمانی صحبت می‌کرده مثل عمو محمود.
- آلمانی حرف زدن عمو را وقتی سال پیش ایران بود شنیدم. شبیه نبود.
- نمی‌دانم. شاید فرانسوی یا ایتالیایی. شاید هم روسی. چیزی که زیاد هست زبان هست.
- یک روز هم دیدم یک سنجاق رو کت آقای منصوری بود. یک ستاره سبز.
- شاید کمونیست است. البته ستاره آنها قرمز رنگ هست. چرا از خود آقای منصوری نمی‌پرسی؟
- باشه می‌پرسم.

چند روز بعد

- بابا پرسیدم. به زبان اسپرانتو صحبت می‌کرد.
- اسپرانتو چه صیغه‌ای هست؟
- یک زبان ساختگی بین‌المللی. یک دکتر آن را ساخته. آقای منصوری یک خودآموز زبان اسپرانتو هم به من داد. خوشم آمد. یادش می‌گیرم.

ماهی‌گیر

نویسنده : ژان دو دیو کیکاکو

مترجم: نسرین تنگدل



برای شنیدن واکنش ماهیگیران دیگر بلند فریاد بزند. به این ترتیب او می‌توانست مطمئن شود که اتفاق بدی نیفتاده است. همه ماهیگیران این کار را می‌کردند. کسی که قبل از دیگران به رودخانه می‌رسید باید حواسش را جمع می‌کرد تا به فریاد دیگران پاسخ دهد. به طور غیرمنتظره‌ای ماهیگیر به شدت بیمار شد. او دیگر قادر به رفتن به رودخانه برای ماهیگیری نبود. بدون توانائی انجام آن کار، شرایط سختی برای خانواده‌ی او به‌وجود آمده بود زیرا آنها نمی‌توانستند مایحتاج لازم خود را خریداری کنند. همسر ماهی‌گیر به دنبال راه حلی بود اما به نتیجه‌ای نرسید. نمی‌دانست چه کند، چون شوهرش دیگر حتی نمی‌توانست حرف

ماهی‌گیری بود که برای صیدکردن به رودخانه می‌رفت. برای رسیدن به رودخانه باید از کوهی بالا می‌رفت تا به محل کارش برسد. او کار خود را دوست داشت، زیرا از طریق آن برای رفع نیازهای خانواده‌اش پولی به دست می‌آورد. وقتی ماهی می‌گرفت، آنها را در کیسه‌ای می‌گذاشت که دور کمرش انداخته بود. او در روستا با همسر و پسر کوچکش در یک کلبه زندگی می‌کرد. پس از صید ماهی برمی‌گشت و ماهی‌های شکارشده را به همسرش می‌داد و در روستا می‌فروخت. اغلب او مجبور بود صبح خیلی زود از خواب بیدار شود، زیرا آن‌موقع بهترین زمان برای صید ماهی بود. قبل از بالا رفتن از کوه و رسیدن به رودخانه می‌بایست

زبان اسپرانتو بر روی پنل‌های محوطه «موزه آینده» در دبی

حضور اسپرانتو در کشورهای عرب‌زبان امری نادر است. اسپرانتودانان کمی در این کشورها پیدا می‌شوند. اما اتفاق بسیار جالب و قابل توجهی که اخیراً مشاهده شده، استفاده از این زبان بر روی پنل‌های تبلیغاتی در محوطه «موزه آینده» در دبی است. تصویر یکی از این پنل‌ها در زیر نشان داده شده که بر روی آن این گفته از حاکم دبی نقل شده است: «آینده از امروز شروع می‌شود، نه از فردا»



«آینده متعلق به کسانی است که می‌توانند آن را تصور کنند، طراحی کنند و اجرا کنند. این چیزی نیست که منظرش باشد، بلکه باید آن را خلق کنید.»

این یکی از سه نقل قول الهام‌بخشی است که وقتی چشم‌تان به نمای جدیدترین شاهکار دبی و نماد معماری جهان، «موزه آینده» می‌افتد، می‌توانید بخوانید. خط‌های خوشنویسی عربی که ساختمان موزه را پوشش می‌دهد، توسط شیخ محمد بن راشد آل مکتوم، معاون رئیس جمهور و نخست وزیر امارات متحده عربی و حاکم دبی گفته شده است. از طریق این ساختمان نوآورانه، دبی نمادی فرهنگی و معماری را به جهان ارائه می‌دهد که ارتفاع آن ۷۷ متر بوده و مظهر خوشنویسی ظریف و گسترده است که بیانگر رویکرد نوآورانه دبی است.

۱۳۷ سال پیش، زاننه‌وف راه دیگری را برای برقراری ارتباط زبانی در سراسر جهان برای آیندگان تصور، طراحی و پیشنهاد کرد. در واقع او در زمره کسانی بود که این گفته الهام‌بخش را به بهترین وجه در عمل اجرا نمود و با خلق اسپرانتو، شمایی آینده ارتباطات بین‌المللی را ترسیم کرد.

بزند. ماهی‌گیران دیگر متوجه غیبت او در محل کار همیشگی‌اش شدند، اما نمی‌دانستند که چه بلایی سر او آمده است. پسر کوچولو هم به خاطر بیماری پدرش نگران شده بود. او شش‌ساله بود و همیشه می‌بایست برای چرانیدن خوک‌ها و بزهای‌شان به مزرعه برود. او به دنبال درمان‌های طبیعی بود، به این امید که پدرش را درمان کند. متأسفانه این درمان‌ها مؤثر نبودند. وقتی به چرا می‌رفت، زیر درختی می‌نشست و فکر می‌کرد که برای بهبودی پدرش چه می‌تواند بکند. او مدت زیادی به این موضوع فکر کرد؛ مادرش هم همین‌طور. یک روز زن ماهی‌گیر قلاب ماهی‌گیری شوهرش را برداشت و آن را به چوبی بست و به رودخانه انداخت، اما متأسفانه فقط یک ماهی کوچک توانست بگیرد، که به او گفت: «لطفاً مرا به رودخانه برگردان. من هنوز کوچکم، صبر کن تا من بزرگ شوم آن وقت ارزش خوردن خواهم داشت و تو می‌توانی مرا بگیری.» زن ماهی‌گیر پاسخ داد: «شوهرم مریض است. وقتی برای طلب چاره نزد بزرگ‌روستا رفتیم، او به من گفت که تو برای شوهرم داروی مناسبی هستی. پس نمی‌توانم تو را به آب برگردانم، زیرا برای شفای شوهرم به تو نیاز دارم.» او به خانه رفت و آن ماهی کوچک را طبق توصیه‌ی بزرگ‌روستا پخت. در واقع، شوهرش بهبود یافت و شادی به خانواده بازگشت.

درباره‌ی نویسنده:

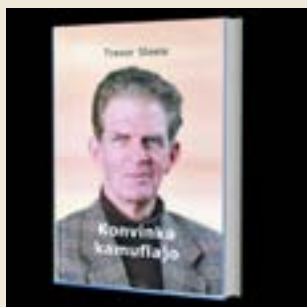
ژان دی دیو کیکاکو در شهر گوما، واقع در جمهوری دموکراتیک کنگو زندگی می‌کند. او به‌تازگی دبیرستان را در رشته‌ی تعلیم و تربیت به پایان رسانده است. او دوست دارد شعر و داستان کوتاه بنویسد و امیدوار است در آینده نیز برای سایت uea.facila مطلب ارسال کند. او یادگیری اسپرانتو را در سال ۲۰۱۹ آغاز کرد.

منبع:

<https://uea.facila.org/artikoloj/literaturo/la-fiŝkaptisto-r391>

ئیسپیرانتو،

زمان یان کولتوور



زمانی ئیمه دیاردهیهکی کولتورییه بهراستی، ئەوەی که سەردەمانیک تەنیا پرۆژەیهک بوو لە میسکی پیاویکی لاودا، ئیستا زمانیکه که بۆ هەموو پێداویستییهکانی مەرۆف لە هەموو کیشوهرەکاندا بەکار دەهێنریت. خەلک بە زمانی ئیسپیرانتو عاشق دەبن، بە ئیسپیرانتو فاکتۆرهکان دەنێرن، بە زمانی ئیسپیرانتو کۆنگره و کۆنفرانسهکان ریکدهخەن، بە ئیسپیرانتو گۆرانی دەچرن و بیگومان بە زمانی ئیسپیرانتو مشتومر دەکەن. پینچ نەو ئیسپیرانتویان بەکار هیناوه، تەنانەت زمانی پوژانەیی ژمارهیهک مەرۆفە که ریزهیان لە زیادبووندایه.



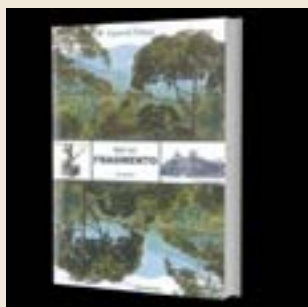
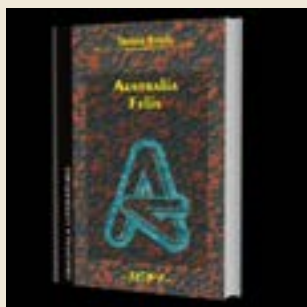
بەلام چی دەمینیتەوه لە نەوهکان؟ هەندیک تۆماری دەنگی هەن: خەلک دەتوانن دەنگی زامینتۆفیش ببیستن که بۆ هەمیشه بە ئامرازیک که جارجار خراب و جارجاریش باشه، پاریزراوه. بەلام بەشیکی گەورەیی پێوهندیمان لەگەڵ ئەو نەوه مردووانه و هاوکات ئەو گەنجینهی که بۆ پێشاندان بە جیهان هەمانه، وێژە و ئەدەبیاتمانه. لەوانهیه نەوهکانی دواتر رینگهیهکی تر بۆ دەرپرینی زمانهکهمان بدۆزنهوه، بەلام گومانم هەیه لەوهی ئەدەبیاتهکهمان و بە پلهی یهکهم شاکاره ئەدەبییهکانمان بۆ ماوهیهکی درێژخایەن وهکوو بەهیزترین نیشانهی زیندووبوونمان، ناسنامەمان و هیمای فەرهنگی ئیئونهتەوهییمان بمیننەوه.



تا ئیستا زۆرینهی ئیسپیرانتۆزانەکان ئەورووپی بوون و هەن. بۆیه جینگەیی سەرسووڕمان نییه بەشیکی گەورەیی نووسەرە ئیسپیرانتۆزانەکانمان ئەورووپی بوون و هەن. تەنانەت دەکریت باسی «قوتابخانە» جۆربهجۆرهکان بکریت، کۆمەلێک خەلک که ئەوهنده لە یهک نزیکن بۆ ئەوهی لەسەر یهکتر کاریگەری دوولایه‌نه‌یان ببیت.



با خەلکی پاریس وهبیر بهینینهوه که لە ساله‌کانی ۱۹۳۰ دا، رایمۆند شوارتز لە نیویاندا هەلکه‌وته بوو: ئەوان «مه‌کۆی پشیلە سه‌وز»یان پیکه‌یتا. هەندیکجار تەنانەت سەرنجی کهسانی غهیره ئیسپیرانتۆزانیشیان بۆ لای خویان راده‌کیشا.

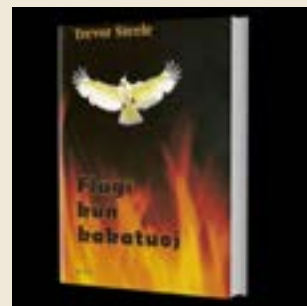
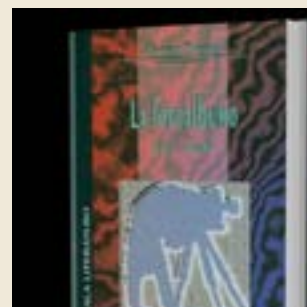
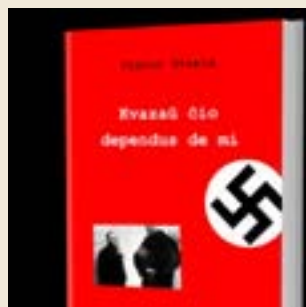
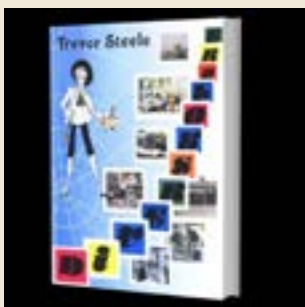




ههروهه قوتابخانه‌ی بووداپیستی بوو که ناسراوترین ئەندامه‌کانی کالۆچای و باگی بوون؛ ئەو دووانه زۆر جار له سهر ئەم یان ئەو ناکوک بوون، به‌لام به دنیاییه‌وه لهو ژینگه‌یه‌دا له‌سهر یه‌کتر و که‌سانی تریش کاریگه‌رییان بووه، که‌می‌ک پاش ئەوه چوار که‌سی سکوتله‌ندی هاتنه ئاراوه: ئۆلد، پۆسیتی، دینوودی و فرانسیس؛ پیکه‌وه کۆمه‌له‌شعیریکی سه‌رده‌مسازیان بلاو کرده‌وه و به‌دنیاییه‌وه له یه‌کتره‌وه فی‌ر ده‌بوون.

جاریک خوشحالم به ناسینی ئەندامانی ئەو قوتابخانه‌ی که پینی ده‌گوتریت «قوتابخانه‌ی ئیبه‌ری» - خۆرخ‌ی کاماچۆی ئیسپانی، میگیل فی‌رناندز، ئابیل مۆنتاگوت و گۆنسالۆ نی‌فیسی پورتوگالی، تی‌بینیم کرد که چه‌نده به خوشی و به به‌ره‌مه‌وه بیروکه‌کانیان ئالوگۆر ده‌کرد و به‌داخه‌وه‌م که من وه‌کوو نووسه‌ریک ته‌ریک بووم (جگه له‌وه‌ی که ئیستا هاوژینیکم هه‌یه که زۆر چه‌زی له کتیبه‌کانمه). به‌لام ده‌بی‌ت ماوه‌یه‌کی زۆر چاوه‌رئ بکه‌ین تا‌کوو هه‌ندی‌ک «قوتابخانه‌ی میلبۆرن» یان «پینچ که‌سی کوئیزله‌ندی» ده‌ربکه‌ون. ته‌نانه‌ت «گرووپیکی ئوستورالیا - نیوزله‌ندا»

نووسه‌ر: Trevor Steel





إزالة اللغة الإنجليزية

بنفس فعالية إزالة الدولة

لقواعد إحدى اللغات الحديثة، الإسبانية، في المقدمة: "كانت اللغة دائماً رفيقة للإمبراطورية"، وهذا صحيح حتى يومنا هذا، حيث يستخدم العالم أحادي القطب الذي تستهدفه الولايات المتحدة اللغة الإنجليزية في إمبراطوريتها.

وهذا بالطبع له مزايا هائلة بالنسبة للولايات المتحدة، وغيرها من البلدان الناطقة باللغة الإنجليزية، سواء من الناحية الاقتصادية [المعلمين، ومواد التدريس، وما إلى ذلك] أو الثقافية، لأن قيم مجتمع المرء، والليبرالية، والمنافسة غير المنظمة، وإهمال الاحتياجات، تستمر من خلال اللغة في تقديمها للضعفاء، وتبرير التجارة غير المشروعة مع الأنديز، وما إلى ذلك. ونحن نعلم ذلك جيداً. فمن خلال اللغة يحاولون استيعابنا في مفهومهم الخاص للعالم والعلاقات بين الناس.

لكننا نريد حقاً أن توجد مثل هذه الإمبريالية الثقافية في عالم متعدد

إن دول المجموعة، التي يطلق عليها في بعض اللغات اسم البريكس، تعمل من أجل عالم متعدد الأقطاب، أو بعبارة أخرى التغلب على الوضع الحالي للقوى المهيمنة التي تحاول إجبار العالم على اتباع مصالحها عسكرياً واقتصادياً وسياسياً وفي المنظمات الدولية.

ومن الصحيح أنهم يحاولون الآن تحرير أنفسهم من الابتزاز الاقتصادي بسبب استخدام الدولار الأمريكي في التجارة الدولية، وهذا النشاط معروف شعبياً باسم إزالة الدولة. ونأمل أن يتقدم ببطء ولكن بثبات ولكن هناك عنصر آخر من عناصر الهيمنة الأمريكية يستحق أيضاً معارضته. وهو يتعلق بالهيمنة الثقافية من خلال اللغة. وأي شخص لم يسمع قط برنامجاً تلفزيونياً مترجماً من الإنجليزية أو لم يقرأ قط كتاباً مكتوباً أصلاً باللغة الإنجليزية، يرجى رفع يده.

في عام ١٤٩٢ البعيد، كتب أنطونيو دي نيبريجا، أول مؤلف أوروبي

العشرين) والآن في الممارسة العملية محظورة من قبل الإمبراطورية الأمريكية.

إن التخلي عن اللغة الإنجليزية لا يتطلب تكاليف ولكنه يستلزم الادخار ويعيد الكرامة المتساوية للجميع. فكر عندما يُسمح للجميع في اجتماعات دول البريكس بالتحدث بلغتهم أو الإسبرانتو المحايدة.

البروفيسور رناتو كورستي

واسطة ترجمة جوجل

المراكز. وإذا تم التخلي عن اللغة الإنجليزية، فسيكون ذلك بمثابة ضربة للدعاية الإمبريالية وسيحرر جميع الثقافات وجميع اللغات لتتطور بحرية وبشكل كامل في بلدها وستعرف دول البريكس نفسها بشكل أفضل قليلاً. من السهل أن نتخيل أن الدورات الإنجليزية في مدارس دول البريكس ستنقل من الثقافة الإنجليزية المفروضة حاليًا إلى تعدد المعارف حول الروسية والصينية والهندية والعربية وما إلى ذلك.

ستنشأ مشكلة لغة التواصل في العلاقات بين دول البريكس. عندما لا يكون من الممكن استخدام اللغات المباشرة للشريك، فإن الحل الأكثر طبيعية وحيادية وأكثر توافقًا مع قيم البريكس هو استخدام اللغة الدولية الإسبرانتو، التي كانت محظورة ذات يوم في عصابة الأمم الفرنسية بسبب الاعتبارات الإمبريالية آنذاك (عشرينيات القرن





Universala Esperanto-Asocio

روز جهانی صلح

۳۱ شهریور ۱۴۰۳ (۲۱ سپتامبر ۲۰۲۴)

پروژه فرهنگ صلح از طریق زبان‌های صلح

اسپرانتو،
زبان صلح
و دوستی

